

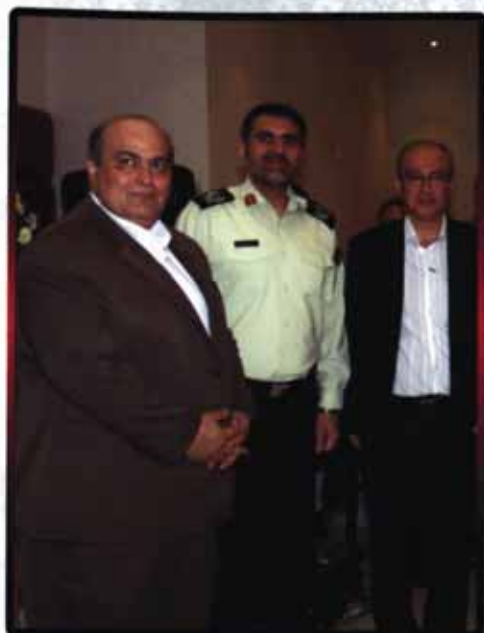
✧ خاطرات تلخ و شیرین
 ✧ یهودیان برزیل
 ✧ سونامی در راه است
 ✧ تشابه زبان عربی و عبری
 ✧ اوضاع یهودیان در قرون وسطی



زندگیاد
 آقا جان شادی

مراسم گرامیداشت هفته نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

۹۳/۷/۱۴



سُفְתָּה

אָפֿק
בִּינָה

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال شانزدهم - شماره ۴۱
آذر ۱۳۹۳ شمسی
کیسلو ۵۷۷۵ عبری
نوامبر - دسامبر ۲۰۱۴ میلادی

صاحب امتیاز: انجمن کلیمیان تهران
مدیر مسئول: دکتر همایون سامیح
زیر نظر: شورای سردبیری بینا
مدیر داخلی: نسترن جاذب

هیئت تحریریه: دکتر یونس حمامی لاله‌زار - دکتر سلیمان کهن‌صدق -
دکتر رامین لاله‌پور - رحمن دلرحیم - دکتر ژان پایاب - امید محبتی -
نسترن جاذب - فرانک عراقی - دوریتا معلمی - شرکان انورزاده -
مرجان یشایایی - نیوشا پایاب - پرهام رادپرور - لئا دانیالی -
مژده یمینیان - فرینوش لازار - امیر فراز نعیموت.
هماهنگی هیئت تحریریه: بهادر میکائیل

همکاران این شماره: هارون یشایایی، فریدون طوبی،
بهادر میکائیل، ابراهیم سعیدیان.

سر ویراستار: دکتر یونس حمامی لاله‌زار
حروفچینی و صفحه‌آرایی، امور مالی و اشتراک: نسترن جاذب
اجرا: کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران
طراحی جلد: مردخای امین شمولیان
پشتیبانی رایانه‌ای: مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران
عکس: مردخای امین شمولیان
چاپ، لیتو، گرافیک و صحافی: دریا

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ‌هادی - شماره ۲۲۳ - طبقه سوم
کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷ | تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - نمابر: ۶۶۷۱۶۴۲۹

نشانی الکترونیکی: bina@iranjewish.com
پایگاه اینترنتی: www.iranjewish.com

♦ نشریه در ویرایش و کتاه کردن مطالب آزاد است.
♦ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده پلامانع است.

بینا - בִּינָה - فر عبری به معنای آگاهی و بصیرت است

- سرمقاله: خاطرات تلخ و شیرین / دکتر همایون سامیح / ۲
- الهی نامه / امیر فراز نعیموت / ۳
- گیلعاد: گیلیارد / هارون یشایایی / ۴
- تجلیل از خانواده شهدا و ایثارگران اقلیت‌های دینی / دکتر سلیمان کهن‌صدق / ۵
- یهودیان برزیل / دکتر ژان پایاب / ۶
- دیدار کلیمیان با جناب آیت‌الله العظمی جوادی آملی / نسترن جاذب / ۱۲
- از قافله عقب نمانیم / مرجان یشایایی / ۱۳
- عامل بیگ بنگ: خداوند و یا قوانین طبیعی؟ / امید محبتی / ۱۶
- دنیای رنگارنگ کلمات / شرکان انورزاده / ۱۹
- اوضاع یهودیان در قرون وسطی (بخش یکم) / نسترن جاذب / ۲۰
- سونامی در راه است / دوریتا معلمی / ۲۶
- معرفی کتاب: بانوی بهشتی / لئا دانیالی / ۲۹
- تشابه زبان عربی و عبری / رحمن دلرحیم / ۳۰
- نام نیکو گر بماند ز آدمی (مصاحبه با آقاجان شادی) / فرانک عراقی / ۳۲
- یهودیان مشهور: مارک زاگر برگ / نیوشا پایاب / ۳۴
- شعر: روش هسانا و یوم کیبور / ابراهیم سعیدیان / ۳۷
- گرامیداشت هفته نیروی انتظامی / بهادر میکائیل / ۳۸
- ایپدیمی احساس تکلیف / پرهام رادپرور / ۴۰
- تله‌پاتی و آخرین فناوری / فرینوش لازار / ۴۲
- بررسی اصل سیزدهم قانون اساسی / امیر فراز نعیموت / ۴۴
- ایمان واقعی، آنچه همگان به تقویت آن نیازمندیم / دکتر رامین لاله‌پور / ۴۶
- حضور جامعه کلیمیان در راهپیمایی روز قدس / دکتر سلیمان کهن‌صدق / ۴۹
- تأثیر نمادهای عشق / مژده یمینیان / ۵۰

حق اشتراک را به حساب جاری ۰۱۰۵۸۰۴۴۳۲۰۰۵ نزد بانک ملی، شعبه ملک (شیخ‌هادی)، کد ۴۵۶ (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی) به نام انجمن کلیمیان تهران واریز کرده و اصل فیش بانکی را همراه با مشخصات فردی، آدرس و تلفن به نشانی افق بینا ارسال کنید.

کپی فیش بانکی را نزد خود نگه دارید.
هر گونه تغییر نشانی را سریعاً اطلاع دهید.
هزینه اشتراک برای ۶ شماره ۱۲۰۰۰۰ ریال است.

اشتراک نشریه افق بینا



سرمقاله :

خاطرات تلخ و شیرین

دکتر همایون سامیع

حالت چهره آنها به حالت طبیعی باز نخواهد گشت. ولی آن چه تلخی این ماجرا را دو چندان می‌کرد، عکس‌العمل قاتلان در جلسات دادگاه بود. بسیار خونسرد و بدون هیچگونه نگرانی!! هیچ التماسی در کار نبود که هیچ طلبکار هم بودند. انگار جای قاتل و مقتول عوض شده بود. سنگینی محیط بر دوش همه حس می‌شد و وصف تلخی‌ها همین قدر بس و به امید اصلاح انسان‌ها، شرایط و بالاخص قوانین!!

مسئله بغرنج دیگر که موجب تعلل خاطر بنده در این سال‌ها است، افزایش اختلافات خانوادگی به خصوص در میان زوج‌های جوان جامعه است. از آنجا که انجمن کلیمیان تنها مرجع پاسخگو به قوه قضاییه در خصوص احوال شخصیه افراد جامعه کلیمی است، لذا این انجمن در مورد تمامی اختلافات خانوادگی جامعه خود بطور مستقیم در ارتباط است. افزایش تعداد شکایات زوجین از یکدیگر به دادگاه‌های خانواده در طی سال‌های اخیر موجب نگرانی شدید مسئولان جامعه شده است. انجمن کلیمیان در تلاش است تا تمهیداتی در جهت کاستن این معضل به کار گیرد که صد البته نیازمند همکاری تمامی ارگان‌های جامعه می‌باشد.

در پایان امیدوارم که در سال جدید عبری از هر آن چه پیش آمد خاطره‌ای خوش بجا ماند، همچون جشن حنوکا همه ایام شما با شادی و نور قرین باشد و تمامی دعاها و توبه‌های شما همکیشان عزیز به درگاه خداوند مورد قبول واقع شود.

روزها، ماه‌ها و سال‌ها می‌آیند و می‌روند و آن چه می‌ماند خاطراتی است تلخ و شیرین، خاطرات تلخی که شیرینی‌ها را به کامان تلخ می‌کند و خاطرات شیرینی که تلخی‌ها را می‌برد. در طی این چند سالی که در سمت ریاست انجمن کلیمیان مشغول به خدمت بوده‌ام با حوادث تلخ و شیرین بسیاری مواجه شده‌ام. هنگامی که می‌شنوم در جامعه بیمارانی هستند که احتیاج به درمان‌هایی با مخارج هنگفت داشته و متأسفانه از بضاعت مالی مناسبی برخوردار نیستند و فقط با یک اعلام عمومی در کنیساها سیل کمک سرازیر شده تا این افراد از رنج بیماری رهایی یابند، و یا هنگامی که می‌بینم افراد جامعه برای تهیه جهیزیه و یا مخارج تحصیل افراد مستمند همیشه پیشگام هستند، و یا زمانی که شاهد موفقیت‌های تحصیلی نسل جوان ایرانیان کلیمی و کسب افتخاراتشان در جامعه ایرانی هستم بسیار مشغوف می‌شوم.

ولی متأسفانه حوادث تلخی هم هست که خاطره آنها نیز همیشه باقی می‌ماند.

در طی ماه‌های گذشته متأسفانه مجبور به شرکت در ۲ جلسه دادگاه بودم. دادگاه محاکمه قاتلانی که باعث مرگ ۲ نفر شده بودند: یک جوان حدوداً ۲۰ ساله و یک زن ۵۰ ساله. هر دو بی‌گناه که رفتن آنها نه تنها باعث داغ‌دار شدن خانواده‌هایشان شد بلکه جامعه کلیمی را نیز به سوگ نشاند. هرگز چشمان خانواده مقتولین از ذهن من پاک نمی‌شود و احتمالاً هیچ‌گاه



الهی نامه

امیر فراز نعیموت

الهی کار به تو می‌سپارم، به آهنگ تو
می‌رقصم، دل به تو می‌بندم و به الطاف تو دارم
چشم، چون تنها تو هستی که آگهی، من چگونه در
دل شب چنگ بر بالین می‌کشم و در سیل اشک‌انم
غوطه‌ور می‌شوم و به نیاز، نماز می‌گذارم تا تو
مرا اجابت فرمایی و با نیم‌نگاهی شب‌تار و کار
قمر را به مهر خود سحر کنی...!

تشنه‌نم رودتویی،
نیست‌نم هست و بودتویی،
مغس و مطرود‌نم خدا، ای پر جودتویی،
ناخیز و کمره‌نم صلح و مسعودتویی،
زاده و مولود‌نم والد و معبودتویی،
تشنه و هوشیار‌نم، عطر گل و عودتویی...!

الهی...!

همانگونه که آگاهی، ما گدایانیم و تو بر
مسند دل، شاهی... ما به کلاف ریا گناه می‌بافیم و
تو با حوصله و رحمت همه را ز هم
می‌شکافی...! ما همه بیماریم و تو درمان...
هوالمشافی...!

الهی...!

دست به دامن تو می‌شوم تا تو دست‌انم را
بگیری و پای به دنیای عشق تو بگذارم، چون تا
وقتی با منی نه غم دارم نه هراس بیش و کم
دارم...!
بار دیگر مدد از تو می‌جویم و راه تو می‌پویم
و ثنای تو می‌گویم، تا تو گره از کار بگشایی و
لطفی بنمایی و چشم از ما بر نداری که دروازه
دل را تنها تو کلیدی و راه بسته را تنها تو
امید...!



گیلغاد: گیلارد

هاون یشایایی

طولانی بالاخره شکایت یهودیان دماوند مورد قبول قرار نگرفت و بعد از آن نیز اراضی مجاور قبرستان گیلارد مورد تعرض قرار گرفت و رفته رفته محوطه گیلارد با مساحت ۱۲ هکتار به عنوان گورستان گیلارد باقی ماند و تا چند سال اخیر مواردی از دفن اموات یهودیان در گورستان گیلارد انجام گرفته است.

از سال ۱۳۶۴ به بعد اراضی اطراف گورستان گیلارد توسط سازمان زمین شهری و بعضی نهادهای دیگر تصرف شد و انجمن کلیمیان با مراجعه به نهادهای مسئول سعی کرده است وضعیت گورستان گیلارد را در حداقل حفظ کند.

قبل از آن نیز در سال ۱۳۵۴ مرحوم یوسف کهن با حمایت انجمن کلیمیان وقت اجازه دیوارکشی در محوطه باقی مانده از شهرداری دماوند دریافت نمود که با شکایت بعضی افراد از ادامه کار جلوگیری شد و دیوارهای ساخته شده رفته رفته از میان رفت.

جامعه کلیمیان ایران و انجمن کلیمیان تهران و نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی هم‌اکنون سعی می‌کنند حداقل وضع موجود را در این محل تاریخی و به روایتی مذهبی یهودیان جهان حفظ و نگهداری کنند.

این کار فقط با حمایت افراد جامعه کلیمی و مساعدت مسئولان جمهوری اسلامی میسر خواهد شد.

شایان ذکر است روز یکشنبه ۱۱ مرداد ماه ۱۳۹۳ به همت کمیته بهشتیه و مساعدت هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران و فرمانداری شهرستان دماوند به مناسبت ایام سوگواری نهم آو، تور یک روزه زیارتی آرامستان گیلارد با حضور ۵۰ نفر از همکیشان عزیز که اکثر آنها اقوامشان در این آرامستان دفن هستند، برگزار گردید. ■

«گیلغاد»، «گیلارد» آن چه امروز «گیلاوند» نامگذاری کرده‌اند یکی از قدیمی‌ترین مناطق سکونت یهودیان ایران از دیرباز بوده است. «دکتر گیرشمن» باستان‌شناس معروف در کتاب خود «ایران از آغاز تا اسلام» می‌گوید: «سارکنی دوم پادشاه آور (۷۴۴ ق- م) سی هزار تن از بنی‌اسرائیل را از محل سکونت خویش متفرق ساخت و یک دسته از بنی‌اسرائیل در شهرهای ماد و دامنه‌های زاگرس اقامت گزیدند». مهاجرت یهودیان از دامنه کوه‌های زاگرس تا جنوب کوه دماوند ادامه یافت و یهودیان مناطق جنوبی دماوند را «گیلغاد» که به روایتی نام کوهی است که قبل از اسارت در آنجا بودند گذاشتند و یادآور ارتفاعات مجاور بیت‌المقدس و پت‌همیقداش می‌باشد. گفته‌اند در این مهاجرت ۶۰ هزار نفر یهودی حضور داشتند، ممکن است این رقم واقعی نباشد ولی آن چه قطعی است زندگی یهودیان در منطقه گیلارد به عنوان یکی از مهمترین مراکز زندگی یهودیان در ایران می‌باشد که تا قبل از سال‌های ۱۳۲۰ شمسی باقی بوده است.

سنگ قبرهایی که از گورستان گیلارد تا سال ۱۵۷۷ میلادی خوانده شده به نام «یوسف بن یعقوب» یا «یعقوب بن شیمعون» ۱۵۴۴ میلادی نزدیک پانصد سال قبل که این سنگ‌ها در موزه‌های خارج از کشور وجود دارد و می‌توان گفت یهودیان لااقل پانصد سال قبل در منطقه گیلارد قبرستان داشته‌اند، وجود قبرستان نشان جمعیت قابل توجه در محل می‌باشد. بعد از آبادانی نسبی منطقه گیلارد و کم شدن جمعیت یهودی در این منطقه دست‌اندازی به املاک گیلارد آغاز شد. در سال ۱۹۲۲ میلادی (۱۳۰۰ شمسی) قسمتی از گیلارد به وسیله بعضی افراد تصرف شد و در یک گیر و دار

تجلیل از خانواده شهدا و ایثارگران اقلیت‌های دینی در هشت سال دفاع مقدس

دکتر سلیمان کهن‌مدق



به مناسبت هفته دفاع مقدس به دعوت جناب آقای حجت‌الاسلام یونسی دستیار ویژه مقام محترم ریاست جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی مراسم باشکوهی در محل بنیاد شهید برگزار گردید. در این مراسم که رهبران دینی، نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس

در خاتمه ایشان یادآور شدند همانطور که ما اقلیت‌های دینی در دفاع از تمامیت ارضی ایران عاشقانه تا پای جان جنگیدیم و شهید و جانباز به کشور عزیزمان تقدیم نمودیم انتظار و توقع معقولی است که حقوق شهروندی برابر با دیگر هموطنان داشته باشیم. در ادامه دکتر اختیاری نماینده محترم زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی با تأیید موارد مذکور از فرهنگ والای ایرانی که فرهنگی غیرنژادپرستی است، سخن گفتند.

سپس جناب آقای حجت‌الاسلام دکتر یونسی با اشاره به مقام والای شهید بیان نمودند افرادی که در دفاع از حق و در راه خدا از جسم و جان خود می‌گذرند و به درجه رفیع شهادت نائل می‌شوند ولو با تمام اختلافات و گرایشات پیرو هر یک از ادیان الهی که باشند، در عالم معنوی دارای ارزش و امتیاز یکسانی هستند.

شایان ذکر است از جامعه کلیمیان ایران، خانواده شهید موریم، شهید حبیب... تکلیفی و شهید داوود شریف و جانباز ۷۰٪ دکتر جهانبخش قهرمانی مورد تقدیر و تجلیل قرار گرفتند. ■

شورای اسلامی و مسئولین جامعه اقلیت‌های دینی حضور داشتند از خانواده شهدا، جانبازان، ایثارگران و آزادگان سرافراز اقلیت‌های دینی با اهدای لوح و هدایای ویژه تقدیر و تجلیل به عمل آمد.

در این مراسم، جناب آقای دکتر سیامک مره‌صدق نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی، با تأکید بر سابقه طولانی و تاریخی حضور کلیمیان در ایران، اشاره نمودند: در طی ۸ سال دفاع مقدس در مقابل حمله نیروهای متجاوز عراقی به خاک ایران، تمامی اقوام و پیروان ادیان الهی فارغ از هرگونه اختلاف عقیدتی در یک سنگر ایستادند و از جان و مال خود گذشتند و از تمامیت ارضی ایران دفاع نمودند. دشمنان بدانند ما همانگونه که از سیاست‌های دولت محترم جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات هسته‌ای حمایت کرده، همواره از حقوق ملی خود نیز دفاع می‌کنیم و اگر بار دیگر هر دولت یا هر گروه و حکومتی این گستاخی را داشته باشد که به ایران عزیز تجاوز نماید همه ما تا آخرین قطره خون خود از ایران عزیز دفاع خواهیم کرد.



یهودیان برزیل

دکتر ژان پایاب

مقدمه :

منطقه آمریکای لاتین از جمله مناطقی است که همواره در معرض تهاجم بیگانگان قرار داشته است. این منطقه‌ها بارها و بارها توسط استعمارگران مورد حمله قرار گرفته، تسخیر شده و دست به دست گردیده است. پرتغال، هلند و اسپانیا از جمله استعمارگرانی بوده‌اند که هر یک به نوبه خود بر بخش‌هایی از این منطقه تسلط یافته و به غارت و استثمار آن پرداخته‌اند. استعمارگران در راستای دستیابی به اهداف خود همواره تأثیراتی را در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر این مناطق گذاشته‌اند. تحمیل زبان و فرهنگ، شیوه کار و تولید اقتصادی و حکومت‌داری و نظام سیاسی، همگی از جمله تأثیراتی بوده که تاکنون بر جای مانده‌اند. آنها هر عاملی را که مانع دستیابی به اهدافشان می‌گردید از سر راه خود برمی‌داشتند و در صورت جدی بودن موانع به شدت آنها را سرکوب می‌کردند. نحوه تعامل و سیاستگذاری‌های استعمارگران در جهت‌دهی گروه‌ها و ساکنان آن مرز و بوم نقش مهم و اساسی داشته است. به طور مثال و همان‌طور که در همین مقاله خواهد آمد،

سخت‌گیری‌هایی که علیه برخی اقلیت‌های قومی و نژادی می‌گردید در جابه‌جایی و مهاجرت و شیوه زندگی آنها تأثیرگذار بوده است. تجمع برخی اقلیت‌ها و گروه‌ها در مکان‌هایی خاص یا خالی بودن مکان‌هایی دیگر از آن اقلیت‌ها، توجه به نوع خاصی از مبادلات اقتصادی و تجاری، تبحر در برخی حرفه‌ها و مشاغل خاص، چیرگی و نفوذ در راهیابی به برخی مناصب و مسئولیت‌های دولتی همگی حاکی از شرایط خاصی است که سیاستگذاری‌های استعمارگران در جهت‌دهی آن تأثیر مستقیم و یا غیرمستقیم داشته است. در همین راستا مهاجرت یهودیان از اروپا به آمریکای لاتین و به ویژه کشور برزیل و نوع برخورد استعمارگران با آنها نیز در شکل‌دهی و سازماندهی این اقلیت دینی در این منطقه و این کشور بسیار تأثیرگذار بوده است. در این مقاله سعی می‌شود حتی‌الامکان و به طور اجمال تاریخچه پیدایش یهودیان در برزیل و نحوه سازماندهی آنها را در این کشور مورد مطالعه قرار دهیم. پرواضح است که شناخت تاریخچه و ویژگی‌های این اقلیت در برزیل خواهد توانست ما را هر چه بیشتر با این اقلیت دینی در این کشور و این منطقه و پیوند آن با سایر مجامع و مراکز یهودی آشنا سازد.

تاریخچه :

مورخان یهودی مدعی هستند که اولین حضور یهودیان در برزیل به دوران دریانوردی کریستوف کلمب^۱ باز می‌گردد. آنها می‌گویند گاسپر دو گاما^۲ که دریاسالار پرتغالی پدر الوارز کابرال^۳ را در سفر به برزیل در سال ۱۵۰۰ همراهی کرده، یهودی بوده است. در سال ۱۴۹۷ که یهودیان پرتغالی مورد بازجویی و شکنجه قرار گرفتند و به تدریج به فکر مهاجرت به نقاط مختلف از جمله برزیل در آمریکای لاتین که تازه کشف شده بود، افتادند. آنها در ابتدا به عنوان مسیحی و یهودیان مسیحی شده وارد کشور برزیل شدند، اگرچه در واقع به طور سری و مخفیانه از آیین یهود پیروی می‌کردند. در سال ۱۶۲۴ نیروهای هلند وارد بخش‌هایی از شمال شرقی برزیل شدند و آنجا را به تسخیر خود درآوردند. هلندی‌ها به نسبت پرتغالی‌ها از تسامح و تساهل بیشتری در برخورد با مذاهب مختلف برخوردار بودند لذا همین امر سبب گردید تا یهودیان در انجام مراسم مذهبی خود آزاد باشند. در سال ۱۶۳۶ یهودیان ساکن در برزیل از فرصت به دست آمده استفاده کردند و اولین کنیسا را به نام کاهال زور^۴ در رسیف^۵ که مرکز و پایتخت هلندی‌ها در برزیل بود برپا کردند. در این شرایط یهودیان در زمینه‌های مختلف اقتصادی رشد و پیشرفت نسبتاً خوبی به دست آوردند. در سال ۱۶۴۲

حاحام اسحاق ابو آب دافونسکا^۶ برای ترویج دین یهود و شکوفا کردن و رونق بخشیدن به کنیسای کاهال زور به برزیل آمد که البته پس از مدتی به دنبال اشغال برزیل توسط پرتغالی‌ها، به پرتغال فرستاده شد و در همان جا به جرم تبلیغ دین یهودیت محکوم به مرگ شد. جمعیت یهودیان در سال ۱۶۴۵ حدود ۱۵۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. لیکن گفته می‌شود آزار و اذیت یهودیان در کشورهای اروپایی و به ویژه کشور پرتغال سبب گردید که مهاجرت‌های دیگری نیز صورت بگیرد. در سال ۱۶۵۴ نیروهای پرتغالی در جنگ خود با هلندی‌ها پس از ۹ سال به پیروزی رسیدند. سلطه پرتغالی‌ها با آزار و اذیت یهودیان در برزیل همراه بود که همین امر سبب گردید تا عده‌ای به نیویورک، برخی به کوراکائو^۷ و برخی نیز به اروپا مهاجرت کنند. برخی که توانایی مهاجرت نداشتند کشته شدند و بقیه نیز به طور مخفیانه به آیین خود وفادار ماندند.

پرتغالی‌ها در سال ۱۶۵۵ کنیسای معروف یهودیان (کاهال زور) را که سمبل یهودیان برزیل بود تعطیل کردند. آزار و اذیت یهودیان در سال ۱۷۷۳ به دنبال لغو تبعیض علیه یهودیان در برزیل توسط پادشاهی پرتغال خاتمه یافت و دوره‌ای از رشد و شکوفایی را برای آنها به ارمغان آورد.

تقریباً ۵۰ سال پس از لغو تبعیض علیه یهودیان، یعنی سال ۱۸۲۲، برزیل از دست استعمارگران پرتغالی

^۱ Christopher Columbus

^۲ Gasper da Gama

^۳ Pedro Alvares Cabral

^۴ Kahal Zur

^۵ Recife

^۶ Rabbi Issac Aboab daFonseca

^۷ Curacao، جزیره‌ای است در جنوب دریای کارائیب، در نزدیکی ونزوئلا و کلمبیا.

جمعیت‌شناسی:

جمعیت یهودی کشور برزیل چیزی در حدود ۱۳۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. این کشور به لحاظ تعداد یهودی ساکن در آن در مقام نهم و پس از کشورهای ایالات متحده آمریکا، فرانسه، روسیه، اوکراین، کانادا، بریتانیا و آرژانتین قرار دارد. شبیه تمامی کشورهای دیگر که یهودیان را در خود جای داده است، در کشور برزیل نیز طیف مختلفی از یهودیان به لحاظ مذهبی وجود دارند. در این طیف یهودیان لیبرال، ارتدوکس، سفاردی و اشکنازی دیده می‌شوند. بیشتر یهودیان این کشور از اشکنازی‌ها هستند که عمدتاً در دو شهر بزرگ ساووپائولو و ریودوژانیرو تمرکز یافته‌اند. تعداد یهودیان شهر ساووپائولو چیزی در حدود ۶۰ هزار نفر و شهر ریودوژانیرو حدود ۴۰ هزار نفر می‌باشند. بقیه جمعیت ۱۳۰ هزار نفری یهودیان در اجتماعات کوچک‌تری در شهرهایی همچون باهیا^{۱۱}، بلم^{۱۲}، مانوس^{۱۳}، پورتوآلگرا^{۱۴} و سایر مناطق زندگی می‌کنند.

سازمان‌ها و نهادها

برزیل کشوری است که به صورت فدرالی اداره می‌گردد. یهودیان در هر ۱۲ ایالت برزیل یک سازمان یهودی ایجاد کرده‌اند. هر ایالت به سایر سازمان‌ها و

رهایی یافت و همین امر سبب گردید تا بسیاری از یهودیان به برزیل بازگشته و جامعه یهودیان برزیل را مجدداً سازماندهی کنند. در زمان جنگ جهانی اول جمعیت یهودیان برزیل چیزی حدود ۷ هزار نفر بود. در این بین یهودیان توانستند یک مدرسه یهودی و یک روزنامه به زبان ییدیش به نام دی منشای^{۱۵} منتشر کنند.

در سال ۱۹۲۰ حدود ۳۰ هزار یهودی اروپای غربی به برزیل آمدند. در سال ۱۹۲۹ نیز حدود ۲۷ مدرسه یهودی ایجاد گردید. علی‌رغم ممنوعیت مهاجرت یهودیان به برزیل در دهه ۱۹۳۰ حدود ۱۷/۵۰۰ یهودی دیگر نیز وارد برزیل شدند. در سال ۱۹۲۸ مقامات برزیلی یکسری محدودیت‌هایی را بر سر راه فعالیت‌های یهودیان ایجاد کردند؛ آنها روزنامه ییدیش زبان در برخی از سازمان‌های یهودی، چه سکولار و چه مذهبی را تعطیل کردند. در پی این امر موجی از مخالفت با یهود در برزیل ایجاد گردید که با پخش نسخه‌هایی از پروتکل‌های رهبران یهود^{۱۶} تشدید شد. در سال ۱۹۴۵ دولت برزیل در قبال یهودیان تساهل بیشتری از خود نشان داد تا آنجا که به آنها اجازه فعالیت مجدد داد. در سال ۱۹۵۰ نیز چیزی در حدود ۳۵۰۰ نفر از یهودیان آفریقای شمالی وارد برزیل شدند. پس از مهاجرت‌های جزئی دیگر و به دنبال رشد و شکوفایی جامعه یهودیان در برزیل امروزه جمعیت آنها افزایش یافته است.

^{۱۱} - Bahia
^{۱۲} - Belem
^{۱۳} - Manaus
^{۱۴} - Porto Alegre
^{۱۵} - Recife

^{۱۶} - Di Menshhayt
^{۱۷} - Protocols of the Elders of Zion

فرهنگ و آموزش

آموزش یهودیان در برزیل توسط موسسه ملی آموزش و فرهنگ یهودی^{۱۷} سازماندهی می‌گردد. این موسسه در هر ایالت یک کمیته دارد که آن کمیته نماینده موسسه در هر ایالت محسوب می‌گردد. کمیته‌ها وظیفه هماهنگ کردن برنامه واحدهای کوچک را در هر ایالت با موسسه ملی آموزش و



مدرسه یهودی آنا فرانک، ریودوژانیرو- برزیل

فرهنگ برعهده دارند. سانوپائولو ۴ مدرسه ارتدوکس و ۴ مدرسه سنتی دارد. مدارس یهودی مختلفی در ریودوژانیرو وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به مدرسه بارایلان^{۱۸} اشاره کرد که سالانه حدود ۵۰۰ دانش‌آموز را تحت تعلیم قرار می‌دهد.

این مدرسه دارای کنیسه بوده و غذای کاشر در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. دانشگاه سان پائولو برخی دروس آیین یهودیت را تدریس می‌کند. چندین روزنامه و مجله یهودی نیز وجود دارد که به زبان‌های ییدیش و پرتغالی منتشر می‌شوند. از جمله این

نهادهای یهودی، از طریق یک سازمان اصلی و مرکزی به عنوان کنفدراسیون یهودیان برزیل^{۱۹} متصل می‌گردد. در واقع کنفدراسیون یهودیان برزیل هماهنگ‌کننده و حلقه مرکزی سازمان‌های یهودی در جامعه برزیل می‌باشد. این سازمان که در سال ۱۹۵۱ تاسیس گردیده در هر ۱۲ ایالت برزیل شعبه دارد و در مجموع قریب به ۲۰۰ سازمان یهودی را تحت چتر حمایتی خود قرار می‌دهد. هدف تمامی این سازمان‌ها ارتقاء فعالیت‌های یهودی در جامعه برزیل می‌باشد. آموزش، فرهنگ، فعالیت‌های خیریه و سایر فعالیت‌های یهودیان بیشتر در کلوپ‌های ویژه یهودیان که به طور انحصاری در اختیار خود آنها می‌باشد، انجام می‌پذیرد. همه سازمان‌های بزرگ یهودی و بین‌المللی در برزیل نیز حضور فعال دارند. در جامعه برزیل بالغ بر ۴۰ کنیسه فعال و چندین سوپرمارکت و رستوران با غذاهای کاشر وجود دارد. مناطقی که جمعیت زیادی از یهودیان را در خود جای داده، دارای یک سری سازمان‌های رفاهی و بیمارستان‌ها برای حفظ و کنترل سلامتی و رفاه اعضای خود می‌باشند. بیمارستان یهودیان آلبرت اینشتین^{۲۰}، که توسط جامعه یهودیان سانوپائولو حمایت می‌شود، از جمله بهترین نمونه‌های این مراکز محسوب می‌گردد. شهر ریودوژانیرو دارای حوزه ویژه‌ای مربوط به یهودیان است که اطلاعات و مدارک مهمی را از فرهنگ یهودیان برزیل در خود جای داده است.

^{۱۷} - National Institute for Education and Culture
^{۱۸} - Bar Ilan School

^{۱۹} - (Confedracao Israelita do Brasil)
^{۲۰} - Albert Einstein Hospital Israelita

است که در آن اخباری درخصوص حملات به اصطلاح آنتی سمیتیک کمتر گزارش می شود. ظاهراً یهودیان در جامعه چند نژادی برزیل توانسته اند در یک همزیستی مسالمت آمیز با سایر گروه های قومی و نژادی زندگی کنند.

جایگاه یهودیان در جامعه برزیل

یهودیان این کشور با سازماندهی منسجمی که مخصوص یهودیان می باشد، توانسته اند به اقلیتی تأثیرگذار در جامعه برزیل تبدیل شوند. یهودیان به لحاظ سیاسی نقش مهمی را در جامعه برزیل ایفا می کنند. در سال ۱۹۹۴، جمی لرنر^{۲۷}، به عنوان فرماندار ایالت صنعتی بزرگ پارانا^{۲۸} انتخاب گردید. او اولین یهودی است که چنین سمتی را عهده دار گردیده است. در سال ۱۹۹۸ نیز دکتر اوا آلترمن بای^{۲۹} اولین زن یهودی بود که وارد مجلس سنای برزیل شد. یهودیان همچنین در کابینه هم حضور دارند. در حوزه اقتصادی نیز یهودیان از جایگاه خوبی برخوردارند. آنها صاحب ۲ شرکت بزرگ چاپ و نشر و جواهرآلات، ۶ بانک بزرگ و مدیر بسیاری از شرکت ها و موسسات می باشند. اقلیت یهودیان در هنگام انتخابات نمایندگی مجلس یا ریاست جمهوری مورد توجه کاندیدها قرار می گیرند و کاندیدها به خاطر نفوذ یهودیان سعی می کنند جملات و کلمات ناسنجیده ای درخصوص آنها بیان نکنند.

^{۲۷} - Jamie Lerner

^{۲۸} - Parana

^{۲۹} - Dr. Eva Alterman Bay

مجلات و روزنامه ها می توان به «رزنها جوداییکا»^{۱۹}، «عبری»^{۲۰}، «منورا»^{۲۱}، «شالوم»^{۲۲} اشاره کرد. در برزیل جنبش ها و سازمان هایی نیز وجود دارند که مربوط به جوانان می باشند. از جمله این جنبش ها می توان به «شومر هصاعیر»^{۲۳}، «بنای عقیوا»^{۲۴} و «هونیم درور»^{۲۵} اشاره کرد. همچنین برخی کلوپ های ورزشی وابسته به یهودیان، امکانات ورزشی و فرهنگی در اختیار علاقمندان قرار می دهند. تا سال ۱۹۳۰ تحت تأثیر مهاجرت و حضور مهاجران اروپای شرقی در برزیل، مهم ترین جریان مذهبی در این کشور، ارتدوکس بود. اما بعدها با ورود یهودیان از اروپای مرکزی، حرکت اصلاحات نیز معرفی و رایج گردید. امروزه بیشتر کنیسه ها محافظه کار یا اصلاح طلبند. در سال های اخیر جنبش شبات یکسری حرکت هایی را در سانوپائولو ایجاد کرده که از آن جمله می توان به تأسیس یک کنیسه، یک میقوه^{۲۶} و یک کودکستان اشاره کرد. در جوامع بزرگی همچون سانوپائولو و ریودوژانیرو غذای کاشر در دسترس یهودیان می باشد و کمبودی به لحاظ غذای کاشر وجود ندارد.

آنتی سمیتیزم در برزیل:

برزیل جزء معدود کشورهای یهودی نشین غربی

^{۱۹} - Resenha Judaica

^{۲۰} - O Hebreu

^{۲۱} - menorah

^{۲۲} - Shalom

^{۲۳} - Hashomer Hatzair

^{۲۴} - B nai' Akiva

^{۲۵} - Habanim Dror

^{۲۶} - mikwa، میقوه، حوض آب شرعی است که یهودیان در آن به طهارت روح و جسم خود می پردازند.

یهودیان را باید در سازماندهی و یکپارچگی آنها به ویژه در نقاط کانونی و مرکزی همچون ایالات متحده آمریکا و اروپا جویا گردید.

نتیجه گیری:

برزیل از جمله کشورهای پرجمعیت و پروسعت در آمریکای لاتین می باشد. این کشور با جمعیتی در حدود ۱۵۰ میلیون نفر، دارای گروه های قومی و نژادی متعددی می باشد. یهودیان از جمله اقلیت های قومی و نژادی تأثیرگذار و مهم در جامعه برزیل به شمار می آیند. یهودیان با جمعیتی در حدود ۱۵۰-۱۳۰ هزار نفر از سازماندهی نسبتاً خوبی در این کشور برخوردارند. تمامی اعضای این جامعه یهودی در این کشور توسط سازمان ها و کمیته های ویژه ای که در اقصی نقاط این کشور پراکنده شده اند، به یکدیگر متصل گردیده اند. در واقع جامعه یهودیان برزیل که برآیند تمامی مراکز و نهادهای یهودی برزیل می باشد، خود جزیی از جامعه یهودیان جهان و همسوی با آن است. وجود این سازماندهی قوی و منسجم است که سبب شده تا این جمعیت در عین کوچک بودن، خود را همچون اکثریتی قوی و تأثیرگذار نشان بدهد. حضور یهودیان در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارتباطی حاکی از حضور جدی آنها در صحنه اجتماعی جامعه برزیل است. این جامعه با انسجام موجود و تأثیر و نفوذ خود در حوزه های مختلف، در آینده خواهد توانست در جامعه برزیل حضور خود را در درجه اول تثبیت و در مراحل بعد قوت ببخشد. ■

ناگفته پیداست که با وجود اکثریت بالای مسیحیان این کشور، رفتار محتاطانه دولت برزیل در برخورد با یهودیان که در اقلیت قرار دارند، حاکی از اهمیت جایگاه یهودیان در این کشور می باشد. یهودیان همواره در عرصه های مختلف اجتماعی و سیاسی حضوری فعال دارند. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲ که منجر به پیروزی لوتیز لولاداسیلوا گردید، یهودیان همواره نسبت به انتخاب او هشدار داده بودند. البته ترس آنها نه از خود لولاداسیلوا بلکه به خاطر حزب او که مواضعی یهودی داشت، می بود. در همان زمان مواضع سخت و تند یهودیان در قبال یک کاندیدای ریاست جمهوری باعث عقب نشینی و عذرخواهی او از اظهاراتش گردید.

همچنین مالک دومین شبکه بزرگ تلویزیونی در برزیل فردی به نام «سیلوسانتوز» نیز فردی یهودی است. در واقع نفوذ یهودیان در جامعه برزیل باید در راستای نفوذ یهودیان در سایر نقاط جهان و به ویژه ایالات متحده آمریکا بررسی شود. وجود شبکه های ارتباطی منسجم در بین یهودیان در سطوح مختلف سبب گردیده تا همه اجزاء این مجموعه در خود توان بالایی را برای تأثیرگذاری احساس کنند. به طور حتم باید گفت که جامعه یهودی برزیل به دلیل اتصالات بین المللی خویش است که هویت پررنگ و قدرتمندی یافته به طوری که به صورت یک اقلیت تأثیرگذار در این کشور ظاهر گردیده است چرا که فارغ از مناسبات و پیوندهای بین المللی، این اقلیت، همچون سایر اقلیت های نژادی و مذهبی از گروه اندکی تشکیل شده است. لذا حلقه مفقوده نفوذ



دیدار کلیمیان

با جناب آیت‌الله العظمی جوادی آملی

نسترن جاذب

روز سه‌شنبه مورخ ۱۱ آذرماه ۱۳۹۳ جمعی از اعضای انجمن کلیمیان تهران: «دکتر همایون سامیح (رئیس انجمن کلیمیان)، دکتر سلیمان کهن‌صدق (نایب رئیس انجمن کلیمیان و مسئول کمیته فرهنگی)، آرش آبایی (کارشناس امور مذهبی)، یوسف هارونیان، رحیم آقابالا، فلورا توکلی، بهادر میکائیل، مردخای امین شموئیلیان همراه با مراجع دینی کلیمیان: حاخام ماشا... گلستانی‌نژاد، حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، هاراو یهودا گرامی و نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی: دکتر سیامک مره‌صدق، با حضور در محل بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء در قم با آیت‌الله جوادی آملی دیدار و گفت و گو کردند.

وی افزود: همانطور که همواره گفته‌ایم حساب جامعه یهودیان از صهیونیسم جداست و ما نیز در کنار همه مردم ایران جنایت‌های رژیم غاصب اسرائیل را محکوم می‌کنیم و همواره خود را یار و همدل با نظام جمهوری اسلامی می‌دانیم. آقای دکتر سیامک مره‌صدق، ضمن بیان برخی از مشکلات اقلیت‌ها، خواستار همکاری مراجع محترم جهت رفع این امور گردید. همچنین حاخام ماشا... گلستانی‌نژاد، از امکان این ملاقات تشکر نموده و حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، ضمن بیان مشترکاتی از ادیان توحیدی، دوران پس از انقلاب ایران را شرایط مناسبی برای پرداختن به این اشتراکات بیان کرد. آقای مهندس آرش آبایی نیز به همکاری انجمن کلیمیان تهران و کارشناسان کلیمی با مراکز علمی و دانشگاهی ایران اشاره نمود.

جامعه کلیمیان همواره در ایران از احساس امنیت در همه زمینه‌ها برخوردار بوده است.



در ابتدای این دیدار دکتر همایون سامیح، رئیس انجمن کلیمیان تهران در سخنانی هدف از این دیدار را تقدیر و تشکر از مراجع معظم شیعه در ایران به جهت حمایت‌های آنان از اقلیت‌های دینی به خصوص جامعه کلیمیان بیان داشت و گفت: جامعه کلیمیان همواره در ایران از احساس امنیت در همه زمینه‌ها برخوردار بوده است.

ایشان در بخش دیگری از گفته‌های خود، تشابهات میان ادیان ابراهیمی را مورد اشاره قرار داده و گفتند: قرآن کریم در مورد انبیا الهی به «مصدقاً لما بین یدیه» تعبیر می‌کند، یعنی هر پیامبری، پیامبر قبل از خود را تصدیق کرده است و این نشان می‌دهد همه انبیا الهی از یک اصل خبر می‌دهند، همه ادیان الهی دارای یک



اصول مشترک هستند، همه آنها به انسان می‌گویند که ما باید باور کنیم ابدی هستیم و در مصاف با مرگ، مرگ را می‌میرانیم و نه اینکه بمیریم و لذا انسان موجودی همیشگی است.

آیت الله جوادی آملی در دیدار با کلیمیان: رهبران الهی آمدند تا کثرت بین ادیان را به وحدت برگردانند

آیت الله جوادی آملی عنوان کردند: «همه ادیان به ما می‌گویند که غرور و تکبر، بزرگ‌ترین دشمن درونی انسان است و بزرگ‌ترین دشمن بیرونی ما شیطان است که هیچ هدفی مگر ریختن آبروی ما ندارد، در اصل دین، بین ادیان هیچ اختلافی نیست بلکه اختلاف در شریعت و منهای است که باید این نکته مورد توجه قرار بگیرد.

وی در پایان این دیدار بیان داشتند: امیدواریم انجمن محترم کلیمیان کشور، همچنان معزز و محترم باشد و اقلیت‌های دینی مانند اکثریت‌های دینی در کنار بحث‌های توحیدی، صادقانه و سالمانه تا ظهور منجی موعود در کنار یکدیگر زندگی کنند. ■

آیت الله جوادی آملی در این دیدار، وجود ادیان مختلف در این دنیا را امری طبیعی خوانده و فرمودند: «به عقیده بنده، جهان مادامی که به صورت دنیاست، هرگز یک دین خاص نخواهد داشت، در معاد بالاخره حق روشن خواهد شد و همه بشر به یک سمت خواهند بود اما در دنیا، مادامی که دنیاست همواره این کثرت بین ادیان را شاهد خواهیم بود، رهبران الهی نیز آمدند تا این کثرت بین ادیان را به وحدت برگردانند.»



ایشان در ادامه با اشاره به داستان گوساله سامری در قرآن کریم عنوان کرد: «در قرآن داستان سامری آمده است که حضرت موسی (ع) به هارون فرمود که چرا جلو سامری را نگرفتی؟ و هارون در جواب گفت من ترسیدم که این قوم متفرق بشوند لذا من برای حفظ وحدت، صبر پیشه کردم، از اینجا معلوم می‌شود گاهی انسان برای حفظ وحدت باید صبر کند و صبور باشد و این اصل در همه ادیان وجود دارد که باید یک مدیر مدبر و آگاه در راس امور باشد تا این وحدت حفظ شود.



از قافله عقب نمایم



مرجان یشایای

روزنامه نگار

شاید کمتر جامعه یهودی در جهان را بتوان یافت که مانند جامعه یهودی ایران از نظر سنت‌ها و نقش‌های اجتماعی اینچنین بکر و دست‌نخورده باقی مانده باشد. دلیل هر چه بوده، خواه دیرپایی ۲۷۰۰ ساله این جامعه در ایران که بی‌تردید پیوندی با جامعه سستی ایران و نیز در درون خود ایجاد کرده یا مدیریت و دیدگاه‌های مذهبی مدیران و روحانیون جامعه که کمتر پذیرای تحولات دنیای بیرون شده‌اند، هر چه بوده اکنون جامعه یهودی ایران حامل سنت‌هایی است که در کمتر جامعه منسجم یهودی اینچنین یکدست و همگون باقی مانده و

هر جامعه کوچکی از بسته بودن و بسته ماندن آسیب می‌بیند. طنین صداهای مختلف را که خاموش کنیم اولین آفت آن ریا است و دروغ

حتی در مواردی عمیق‌تر و شدیدتر هم شده است. توصیفی که از جامعه یهودی ارائه دادم، جامعه‌ای که در آن زاده شده‌ام و رشد کرده‌ام و خوب و بد روزگار را چشیده‌ام و از همه مهم‌تر سخت به آن

عشق می‌ورزم، نه تمجید است و نه تخطئه. درست است که در جامعه‌ای با سنت‌های دیرپا تکلیف افراد روشن است و نقش‌ها از خیلی وقت پیش تعریف شده و هر چیز و هر کس جای خود را دارد اما همین سکون و ماندگی که متأسفانه در سال‌های گذشته شاهد آن بودیم و همان سنت‌هایی که گاه باعث می‌شود افراد جامعه ما خصوصاً جوانان ما در ابراز عقاید و خواست‌های خود تردید کنند دیر یا زود اثر خود را بر جا خواهد گذاشت. بدترین جنبه ماجرا آن است که مردم ما ممکن است با جامعه‌شان غریبه شوند و فکر کنند بهتر است درد خود و یا خواسته خود را جای دیگری بگویند. حکایت عده‌ای دیگر اما تلخ‌تر است، به مصلحت خاموش می‌مانند تا کارشان بگذرد، بتوانند ازدواج کنند و جایی در جامعه برای خود داشته باشند. بی‌صدا می‌گذرند، با قیافه‌ای که انگار آدم‌های

همیشه موافقی هستند تا انگشت نشان نشوند.

البته این امر در اکثر جوامع اقلیت مسئله‌ای کم و بیش شایع است و بیش از هر چیز ریشه در ویژگی‌های اجتماعات کوچک دارد. هر جامعه کوچکی از بسته بودن و بسته ماندن آسیب می‌بیند. طنین صداهاى مختلف را که خاموش کنیم اولین آفت آن ریا است و دروغ. پدرها و مادرها وانمود به انجام کارهایی می‌کنند که ریشه‌ای در درون آنها ندارد، روابط دوستانه سراسر است و واقعی نیست و جوانان موقع ازدواج برای جلب نظر طرف مقابل یا حتی به سیاق عادتی که نمی‌دانند از کجا آمده دروغ‌هایی به هم می‌بافند که وقتی با خود تنها می‌شوند از تکرار آنها خنده‌شان می‌گیرد. به این ترتیب بنای ازدواجی که باید اول از همه با هدف خوشحال کردن زن و مرد باشد آنچنان کج ریخته می‌شود که در بسیاری از موارد راست کردنش ممکن نیست.

در این میان، زنان یهودی قرن‌هاست نقش درجه دوم و دنباله‌رو بی دست و پا را پذیرفته‌اند و برای همین رفتار بی ادعا و صبورانه از احترام شایسته برخوردار نشده‌اند

جوامع یهودی در کشورهای دیگر چندین دهه است که با علم با این نقاط ضعف در پی بهبود وضعیت خود بر آمده‌اند و نیازی به گفتن نیست که ما از این قافله جهانی بسیار عقب مانده‌ایم. به

جرأت می‌توان گفت که بیان دیدگاه‌های گوناگون مذهبی در جامعه ما جایی ندارد. احکام مذهبی ما غالباً یکدست و به عنوان مثال اداره همه کنیساها الگویی کم و بیش یکسان دارد. در این میان، زنان یهودی قرن‌هاست نقش درجه دوم و دنباله‌رو بی دست و پا را پذیرفته‌اند و برای همین رفتار بی ادعا و صبورانه از احترام شایسته برخوردار نشده‌اند. اعتراض زنان ما نسبت به کنار گذاشته شدن در بیشتر موارد به صورت انفجار غیرمنطقی خشمی ظاهر می‌شود که به جای آنکه نظر دیگران به خصوص شریک زندگیشان را به عمق نارضایتی درون آنها متوجه سازد، اتفاقاً غالباً زمینه‌ای می‌شود برای زهرخنده‌های تلخ‌تر و تمسخرهای بی‌رحمانه‌تر و آخر امر هم معمولاً انگی بر زن زده می‌شود که یا دیوانه شده یا بدتر از آن هوایی و سر به هوا. به عنوان اولین قدم باید ثابت کرد که زنان هم مانند شریکان زندگی خود می‌توانند تصمیمات عاقلانه بگیرند و باید در سرنوشت خانواده شریک باشند. زن خانواده باید اولین فردی باشد که در جریان قرار می‌گیرد نه آخرین، باید حریم و حقوقی برای خود تعریف کند که امکان نقض آن به سادگی وجود نداشته باشد و این مهم اول باید. از مدیران جامعه شروع شود، آنان باید قبل از بقیه افراد پیرایه‌های نخ‌نمایی را که سد راه شادابی جامعه می‌شود از خود دور کنند و به دیگران هم امکان ارائه نظرات خود را بدهند. ■

عامل بیگ‌بنگ:

خداوند و یا قوانین طبیعی؟

نویسنده: دکتر جerald شرودر

مترجم (با تصرف): امید ممبئی مقدم

خداوند برای ما وصف کرده است ندارد. در طول فصل آغازین سفر پرشیت (پیدایش)^۳، تنها نامی که برای خداوند مورد استفاده قرار گرفته است، «الوهیم» است که به حضور و تجلی خداوند در طبیعت اشاره دارد. هارامیام^۴ در یکی از آثار ماندگار خود به نام راهنمای گمگشتگان (۱۱۹۰ م؛ بخش ۲، فصل ۶) می‌نویسد که خداوند گه‌گاه از طریق نیروی طبیعت، خواست خود را انجام می‌دهد. مثالی از این مورد (که خداوند از طبیعت برای اجرای هدف خود استفاده کرده باشد) را می‌توانیم در سفر شموث^۵ بیابیم.

پس از آنکه به لطف خداوند و تحت رهبری مشه ربنو (حضرت موسی کلیم.له) از مصر خارج شدیم، خداوند ما را به ساحل دریای سرخ هدایت کرد. در آن لحظاتی که دریای سرخ را در مقابل خود می‌دیدیم، خداوند ما را از تعقیب ارتش مشرک فرعون با شکافیدن دریا نجات داد. تورا می‌فرماید که شکافته شدن دریا با وزش باد شدیدی همراه بود که کل آن شب طول کشید (شموت ۱۴:۲۱). وزیدن شدید باد می‌تواند این تفکر را در ذهن انسان ایجاد کند که شکافته شدن دریا، نه یک معجزه الهی بلکه یک واقعه طبیعی بوده است. کمااینکه در ادامه مشاهده می‌شود زمانی که بنه یسرائل از دریای شکافته شده گذر کردند، ارتش مشرک مصر به تعقیب

«ستفان هاوکنگ»^۱ در کتاب اخیر خود به نام «طراحی با شکوه»^۲، اظهار نظری کرد که در سطر خبرها قرار گرفت. وی این‌گونه اظهار داشت که برای آفرینش جهان، نیازی به خداوند وجود ندارد.

اینکه برای خلقت و یا تسهیل در روند آن، به وجود خدا نیازی وجود دارد یا خیر، پرسشی است که نباید آن را با این سوال که آیا خداوند جهان را آفریده، یکی دانست. در حالی که پرسش اول به تحلیل گزینه‌های مختلف احتمالی برای رخداد آفرینش می‌پردازد، پرسش دوم به بررسی صحت و سقم یک حقیقت مربوط می‌شود. من فکر می‌کنم که این اظهار نظر پروفسور «هاوکنگ» به پرسش اول مربوط می‌شود. برای آفرینش جهان - حداقل با توجه به قوانین طبیعی که تاکنون برای ما شناخته شده‌اند- نیازی به خداوند وجود ندارد.

به عنوان یک فرد یهودی که به دیانت خود ایمان کامل داشته و به شکر خدا، هم دستی در مسائل مذهبی دارم و هم دارای سابقه علمی (از دانشگاه MIT) هستم، به طور کلی با نظر پروفسور «هاوکنگ» موافق هستم. برای خلق جهان از هیچ، [لزوماً] نیازی به خداوند وجود ندارد و تمام آن چه که در این باره نیاز است، می‌تواند قوانین طبیعی باشد.

این که فرض کنیم خداوند از قوانین طبیعی برای آفرینش جهان بهره برده است، هیچ منافاتی با آنچه که تورا از

۳- [سفر پرشیت یا آفرینش؛ اولین جلد از پنج جلد تورای مقدس]

۴- [هارامیام یا ربی مشه بن مایمون (مایمونیدز)، یکی از بزرگ‌ترین مفسران و مفاخر یهود در قرن دوازدهم میلادی.]

۵- [سفر شموث یا خروج؛ دومین جلد از پنج جلد تورای مقدس]

۱- Stephen Hawking، وی در حال حاضر یکی از برجسته‌ترین فیزیک‌دانان و کیهان‌شناسان جهان است.

۲- Grand Design

قوانین طبیعی و مبحث کوانتوم، به طور کامل رد کرد (هر چند احتمال چنین موضوعی بسیار بسیار نادر باشد)^{۱۱}.

بنابراین در صورت دخالت قوانین طبیعی که پیش از پیدایش جهان وجود داشتند، نوسان خلا می‌تواند باعث ایجاد چیزی از هیچ چیز بالقوه شود. دانشمندان این‌گونه نظر می‌دهند که هر چند دنیا هنوز به وجود نیامده بود اما قوانین طبیعی وجود داشتند. هر چند اظهار نظر «تریون» برای چند دهه مورد توجه قرار نگرفت اما اکنون به یکی از مهمترین توجیهات چگونگی خلقت جهان ما از هیچ چیز کامل تبدیل شده است. نتیجه اینکه می‌توان دلیل خلقت را بیگ بنگی بدون کمک خداوند و تنها با توجه به قوانین طبیعی که قبل از پیدایش دنیا وجود داشته‌اند در نظر گرفت.

برداشت ما از مفهوم زمان، با آفرینش جهان آغاز می‌شود. به همین دلیل اگر قوانین طبیعی، جهان را خلق کرده باشند، این قوانین باید قبل از زمان وجود داشته باشند. به عبارتی، باید قوانین طبیعی را فراتر از زمان در نظر گرفت. بلافاصله نتیجه می‌گیریم که باید آن قوانین را کاملاً غیر فیزیکی و فراتر از زمان در نظر بگیریم که توانسته باشند جهان را خلق کنند. این توصیف و این عبارات، برای ما آشنا به نظر می‌رسد. توصیف این چینی از قوانین طبیعی، شباهت بسیاری به مفهوم خداوند دارد: موجودی غیر مادی، فراتر از زمان و قادر به خلق جهان.

تنها تفاوتی که وجود دارد این است که آیا جهان به محض آفرینش و همچنین پس از آن به دنبال گسترش، فقط مطیع قوانین طبیعی بوده و یا اینکه می‌توان در دل وقایع رخ داده، اثری از رهبری و تاثیر گذاری قدرت خداوندی را نیز شاهد بود یا خیر؟ مُشه ربنو(حضرت موسی(ک)) بیان داشته‌اند که ما با توجه و دقت به گسترش جهان، می‌توانیم به این

آنها، خود را وارد دریای شکافته شده کرد. گویا تصور آنها این بود که شکافته شدن دریا برای بنه یسرائل، صرفاً از «خوش شانس» و «وزیده شدن آن باد قوی» بوده است (ر.ک به مقاله منتشر شده از D. Nof و N. Paldor تحت عنوان "آیا توجیه اقیانوس شناسی برای عبور بنه یسرائل از دریای سرخ وجود دارد؟" در ژورنال علمی معتبر Bulletin of the American Meteorological Society، مارس ۱۹۹۲ که آیا این امکان در عمل وجود دارد که دریا به واسطه باد شکافته شود). اگر وزیدن باد، واقعه‌ای ماورای طبیعی به نظر می‌رسید، دیگر ارتش مصر به تعقیب بنه یسرائل نمی‌پرداخت و به راه خود باز می‌گشت. این وزیدن باد، آن قدر طبیعی به نظر می‌رسیده که تورا تاکید می‌کند که «خداوند» عامل وزاندن آن بوده است. نتیجه آنکه قوانین طبیعی که خداوند آنها را در خلقت خود تزریق کرده، ابزاری برای تجلی بخشی از خواست و اراده وی در این جهان می‌باشند. همین موضوع را می‌توان در هنگام آفرینش نیز در نظر گرفت؛ بدین معنا که خداوند در زمان خلقت جهان خویش نیز، از همان ابزار برای تجلی خواست خود استفاده کرده است.

در سال ۱۹۷۳، «ادوارد تریون»^۹ که یک پروفیسور فیزیک بود، مقاله‌ای را در ژورنال معتبر Nature منتشر ساخت که در آن احتمال چگونگی خلقت جهان در نتیجه «نوسانات خلا»^{۱۰} توضیح داده شده بود. برای آن دسته از دانشمندان که اعتقاد دارند مکانیک کوانتوم^{۱۱} می‌تواند چنین احتمالی را ایجاد کند، مقاله پروفیسور «تریون» می‌توانست آغاز بسیار مناسبی باشد. هر چند مبحث مربوط به این موضوع پیچیده است، اما محتوای آن با دانسته‌های امروزی ما از قوانین طبیعی در تناقض نیست. به عبارت دیگر با توجه به دانش امروزی بشر، نمی‌توان احتمال به وجود آمدن هستی از نیستی را توسط

۱۱- البته مفهوم «نیستی مطلق» (absolute nothing) و وجود نداشتن هیچ چیز به معنای واقعی کلمه، برای بشر قابل تصور نیست اما از نظر تئوری می‌توان در مورد آن بحث کرد. [نویسنده در آثار دیگر خود به مساله کوانتوم و ایجاد جهان صرفاً با توجه به خصوصیات ماده به طور مفصل صحبت کرده است. مترجم سعی دارد به کمک خداوند ترجمه آن را بزودی تقدیم جامعه کند.]

6 -D. Nof and N. Paldor; Are there oceanographic explanations for the Israelites' crossing of the Red Sea; Bulletin of the American Meteorological Society, Vol. 73; no. 3; March 1992.

7 -Edward Tryon

8 -vacuum fluctuation

9 -Tryon; "Is the Universe a Vacuum Fluctuation?" Nature, 246(1973), pp. 396-397.

10 -quantum mechanics

صحت گفتار این عبارت از متن تفیلائی لَحش^{۱۴} که می‌فرماید: «خداوند مدح می‌گوییم تو را ... به خاطر معجزات که هر روزه همراه ما هستند» را کاملاً درک نماییم.

معمولاً سوالی که همیشه وقتی بحث به اینجا می‌رسد، مطرح می‌شود این است که اگر خداوند مسئول و ناظر بر جهان است پس چرا دنیای ما، دنیای کاملی نیست؟ چرا برای انسان‌های صدیق و درستکار ترازدی‌های مختلفی رخ می‌دهد در حالی که افرادی که ترسی از خدا ندارند، صاحب بهترین زندگی‌ها می‌باشند؟

در پاسخ باید به این نکته تأکید کرد که توراً هیچ مخالفتی با این واقعیت که در دنیای ما مشاهده می‌شود، ندارد. توراً به هیچ عنوان چنین ادعایی ندارد که این دنیا از دید بشر، کامل و بدون نقص است. این تصور اشتباه برخی افراد معتقد به خدا است که فکر می‌کنند این دنیا فاقد نقصان است. وقوع طوفان نوح یکی از مثال‌های توراتی است که اثبات می‌کند دنیا کامل نیست. کاهش طول عمر متوسط انسان‌ها پس از وقوع طوفان نوح نیز مثال دیگری از این دست است. بنابراین توراً شهادت می‌دهد که دنیایی خداوند خلق کرده است، دنیای کاملی نیست و خداوند، وجود نقص را تأیید می‌کند. اما خداوند در کنار اطلاع دادن این موضوع، از ما توقعی نیز دارد. آن هم اینکه با کمک وی، به تکامل هر چه بیشتر این دنیا بپردازیم. این موضوع در حقیقت دلیل نام گذاری انسان تحت عنوان خلیفه خداوند (و یا همان "یسرائل" در لفظ عبری) می‌باشد.^{۱۵}

موضوع پی ببریم که عامل اصلی در این خصوص کدام بوده است؟ قوانین طبیعی و یا خداوندی که از آن قوانین برای خلق جهان خود استفاده کرده است.

مشه ربنو در سفر دواریم (۳۲:۷) از ما می‌خواهد که: «ایام پیشین را به یاد آور و به سال‌های هر دوره و دوره بیندیش». پاسخ سوال ما در همین دو فریم زمانی نهفته است. «زَمَن^{۱۶}» توضیح می‌دهد که منظور از «ایام پیشین» که مشه ربنو به آن اشاره کرده‌اند، شش روز آفرینش می‌باشد.

شگفتی اصلی خلقت جهان، مدت زمان آفرینش آن (شش روز یا ۱۴ میلیارد سال^{۱۷}) و مشتق شدن حیات از انرژی بیگ بنگ نیست. شگفتی اصلی، پیدایش حیات از انرژی به ظاهر بی‌حیات انفجار بیگ بنگ و تغییر شکل آن انرژی فاقد حیات، به مجموعه عظیم و خارق‌العاده حیات است. اگر این شگفتی بزرگ برای به تفکر واداشتن ما کفایت نکند، مشه ربنو به ما پیشنهاد دقت و کنکاش در تاریخ نسل‌های مختلف بشر را داده و می‌فرماید: «به سال‌های هر دوره و دوره بیندیش». از ابتدای تاریخ تا زمان حاضر، وجود و نظارت خداوند در این جهان کاملاً مشهود است. این حقیقت، از زمان پدران مقدس ما اوراهام (حضرت ابراهیم)، ییصحاق (حضرت اسحاق)، یعقوب (حضرت یعقوب) و خروج از مصر به رهبری مشه ربنو با آن همه شگفتی گرفته تا معجزاتی که در دوران معاصر به چشم خود مشاهده می‌کنیم، کاملاً آشکار است. افراد ملعون و نابکار زیادی به نیت مبارزه و محو یکتاپرستی و ایمان به خداوند در طول تاریخ به پا خواسته‌اند و خیلی از آنها سودای نابودی خداپرستان را در سر می‌پروراندند (همانند یونانی‌ها و رومیان مشرک باستان و افراد ملعونی چون هیتلر شور) اما به لطف خداوند همه آنها نابود شدند.

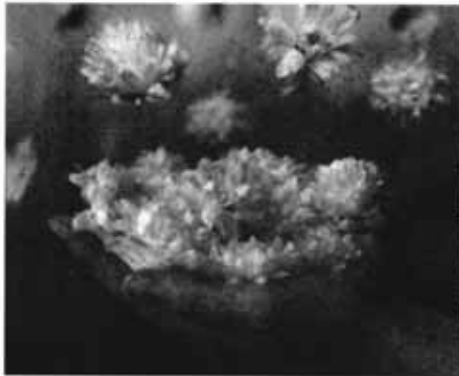
هر چند شاید همانند سابق، معجزاتی که خداوند برای بندگان خود انجام می‌دهد آشکارا نباشد اما با کمی دقت

۱۴- [تفیلائی لَحش یا شمعونه عسره، یکی از محوری‌ترین قسمت‌های نمازهای روزانه یهود را تشکیل می‌دهد.]

۱۵- [بدیهی است که کامل نبودن این دنیای فانی و یا زجر افراد درستکار و لذت افراد شرور را نباید دلیلی بر ناتوانی خداوند و یا عدم عدالت او در نظر گرفت. برای توضیحات مفصل در این باره و بررسی پاسخ‌های گوناگون موجود، می‌توان به منابع معتبر مراجعه کرد. نویسنده نیز در یکی از آثارش به این موضوع پرداخته که مترجم سعی دارد به کمک خداوند ترجمه آن را بزودی تقدیم جامعه کند.]

۱۲- رَمین و یا ربی مشه بن نَحمان معروف به نَحمانیدز، مفسر مشهور قبلائی در قرن سیزدهم میلادی.

۱۳- [رَبی به آثار دیگر نویسنده که در آنجا به طرز جالبی این دو زمان متفاوت را با یکدیگر تطابق می‌دهد. مترجم سعی دارد به کمک خداوند ترجمه آن را بزودی تقدیم جامعه کند.]



دنیای رنگارنگ کلمات

دنیای رنگارنگ کلمات

شرکان انورزاده

روزتان بخیر! شاد باشید! خدا قوت!

کلمات شاد و تأکیدی مثبت، که انرژی مثبت آن، به سوی خودمان برمی گردد.

کلامان، مثل جویباری نرم، زلال و آرام به سوی همگان جاری می شود و در قلب همه، راه پیدا می کند. دوستان داریم، دوستان دارند. با کلامان، دعا می کنیم و دعا می شنویم. با کلامان، محبت خود را خالصانه ابراز می کنیم و محبت دریافت می کنیم.

حتی با زبان کلام و زبان نگاه، لبخند می زنیم و لبخند را، که دریچه ای است به سوی، دنیای پر رمز و راز و پرمفهوم محبت، را دریافت می کنیم.

با کلامان، قلب ها را به یکدیگر پیوند می دهیم و هرگز - هرگز انسان ها را با کلامان از یکدیگر جدا نمی کنیم.

کلامان، جز به حرف خیر و شادی و امید، باز نمی شود. با کلامان، دلی را نمی شکنیم. واژه های منفی به کار نمی بریم.

قطعا خدای مهربان که معجزه سخن گفتن را برایمان آفریده، این گونه انتظار دارد.

خدای مهربانمان! حال که ما را از نعمت و معجزه «گفتار»، بی نصیب نگذاشتی، شکر گزاریم.

با دیدن شادی های دیگران، لب هایمان به لبخند، و واژه های شاد تبریک، باز می شود.

شادی دیگران، شادی ماست. موفقیت و خوشبختی دیگران، آرزوی ماست.

و تنها تویی، یگانه بی همتا، که اشک های از سر شوق ما را، به جهت داشتن همه نعمت های بی انتهای می بینی، و پاکی و زلالی قلب هایمان را احساس می کنی و خوان بی کران نعمات را بر ما افزون می داری.

«تو را سپاس، پروردگار آسمان ها و زمین، پروردگاری که آفریننده تمامی انسان های نیک سرشت و پاک و زلالی!» ■

دنیای ما، و دنیای افکار ما، مملو از کلماتی است که در ذهن ما می گذرد. کلماتی که مشخص کننده امید و یا ناامیدی هاست.

کلماتی که بیان کننده آرزوهای ماست. کلماتی که بیان کننده طرز فکر ماست. کلماتی که بار مثبت یا منفی فراوانی دارند.

کلماتی که گذشته یا حال و یا آینده ما را بازگو می کنند و دنیایی قصه های ناگفته در خود دارند.

کلماتی که با دقت انتخاب می کنیم و با این کلمات، از صمیم قلب، دعای خیر و انرژی مثبت را به اطرافیان منتقل می کنیم. یا خدای ناکرده گاهی کلماتی می گوئیم و ناخواسته و ندانسته، دلی را می سوزانیم و بعد پشیمان می شویم و پشیمانی سودی ندارد. دلی که شکست، شکسته، اما باز هم سعیمان را برای جبران موقعیت می کنیم. یا گاهی هم کلماتی، قلب ما را می شکنند. اما ما می بخشیم، چون حرفی که دلی را سوزانده، از دل سوخته خبر می دهد.

گاهی هم کلمات ما، بیان گر موقعیت کنونی ماست. توضیح لحظه های حال ما، که ای کاش همیشه بپنداریم که این لحظه ها، همه این لحظه ها، ناب و خاص و بی همتا. چرا که این لحظه ها ارمغان پروردگار مهربان است. پروردگار یکتا، که سخن گفتن را که مختص انسان هاست، در وجود ما به ودیعه نهاد.

پس حتماً می توانیم با کلماتمان هم شکر گزار باشیم. شکر گزار نعمت های بیکران و بی انتهای که خداوند مهربان، به ما بخشیده. با کلماتمان، سپاس گزار باشیم، چون می دانیم: «شکر نعمت، نعمت افزون کند.» آن گاه گله گزاری را فراموش می کنیم. کلامان گلایه نیست، کنایه نیست. کلامان، شکر و سپاس است، به درگاه پروردگار رحمان و رحیممان.

کلامان، دعای خیر و سلامتی و برکت است، برای تمامی انسان های پاک نهاد. کلامان، نیرویی مثبت است. کلامی شاد و آرامش بخش، کلامی که روزی خوش را برای دوستانمان می آفریند:



اوضاع یهودیان در قرون وسطی (بخش یکم)

نسترن جاذب

مقدمه :

امپراتوری روم غربی به دست ژرمن‌ها می‌دانند و پایان آن را ظهور رنسانس و دوره‌ی جدید در قرن شانزدهم میلادی در نظر می‌گیرند. عده‌ای از مورخان تاریخ‌های دقیق‌تری را به عنوان سال‌های شروع و پایان این عصر ذکر می‌کنند. برای مثال می‌توان سال ۱۴۵۳ میلادی را که تاریخ تسخیر قسطنطنیه (که پس از آن استانبول نامیده شد) به دست عثمانیان است یا کشف آمریکا در سال ۱۴۹۲ را به عنوان وقایع تاریخی مهم برای اتمام این دوره دانست.

برای حدود تاریخی این دوره از لحاظ فلسفی عده‌ای از مورخان تقسیم‌بندی تاریخی را رعایت می‌کنند، ولی کسانی هم هستند که ابتدای فلسفه قرون وسطی را تا قرون اول یا دوم میلادی به عقب می‌برند. اینان سبب این امر را هماهنگی نوع فلسفه‌ای در نظر می‌گیرند که با مسیحیت از این قرون شروع می‌شود و تا رنسانس ادامه می‌یابد. در مقابل اینان مورخانی هم معتقدند که دوره آباء کلیسا عصر خاصی است با خصوصیات فرهنگی متفاوت با قرون وسطی. این گروه فلسفه قرون وسطی را از

قرون وسطی، نام دوره‌ای است که برای تقسیم بندی تاریخ و تاریخ فلسفه استفاده می‌شود. معمولاً قرون وسطی را از پایان امپراتوری روم در قرن پنجم میلادی تا سقوط قسطنطنیه و پایان امپراتوری روم شرقی یا بیزانس (در ۱۴۵۳) در نظر می‌گیرند. در دوران قرون وسطی در جامعه فئودالی، اروپا صحنه نبرد فکری اندیشه‌های فلسفی، نومیالیسم و رئالیسم است که در واقع اشکالی از ماتریالیسم و ایده‌آلیسم هستند. قرون وسطی عصری است که طی آن هویت غرب به معنی آنچه امروز می‌شناسیم شکل گرفت.

اصطلاح قرون وسطی در زبان فارسی ترجمه اصطلاح‌های اروپایی آن است. مورخان این دوره تاریخی را به عنوان عصری که بین دوره یونانی - رومی، که دوره قدیم خوانده شده است، و دوره جدید و معاصر قرار دارد، معرفی می‌کنند.

بدین جهت این دوره قرون وسطی نامیده می‌شود. معمولاً شروع آن را قرن پنجم میلادی با سقوط

به بابل مهاجرت کردند. اما این اوضاع دوام نیاورد و تغییر نظام سیاسی ایران، اوضاع یهودیان را سخت گردانید. کورش کبیر یهودیان را از اسارت بابلی آزاد ساخت و او و جانشینانش، به یهودیان در بازگشت به

در روزگاری که دو امپراطوری بزرگ ایران و روم با دو گرایش دینی زرتشتی‌گری و مسیحیت، سخت‌ترین فشارها را بر پیکر یهودیت وارد می‌کردند، آیین جدیدی ظهور کرد که در واقع فرشته نجات یهودیان بود

وطن، بازسازی کشور و معبد کمک شایانی کردند. بعد از هجوم یونانیان، اشکانیان به حکومت رسیدند. آنان با یهودیان به خوبی رفتار می‌کردند و همین امر باعث شد که شمار زیادی از یهودیان پس از تخریب معبد و فشارهای رومیان، به ایران و منطقه بابل سرازیر شوند و سال‌ها در آنجا زندگی آرام و راحتی را بگذرانند. در سال ۲۲۶ میلادی آخرین پادشاه اشکانی در جنگی کشته شد و سلسله اشکانیان منقرض گشت. پس از آن، اردشیر بابکان سلسله ساسانیان را تأسیس نمود. ویژگی ساسانیان این بود که با روحانیون زرتشتی متحد بودند و در مقابل، روحانیون نیز در امور حکومت دخالت می‌کردند. این امر باعث شد که ساسانیان، دین زرتشتی را در ایران اجباری کنند. پادشاهان ساسانی در ابتدا بر پیروان ادیان دیگر سخت نمی‌گرفتند، اما به تدریج اوضاع

آگوستینوس یا حتی بوئتیوس یعنی از قرن پنجم میلادی مورد بحث قرار می‌دهند. برای عده‌ای دیگر نیز بسته شدن مدارس فلسفی آتن به دست یوستینیانوس، امپراتور مسیحی روم شرقی در ۵۲۹ میلادی، انتهای فلسفه یونان و ابتدای فلسفه قرون وسطی است و برخی دیگر حتی تا قرن هشتم میلادی پیش می‌آیند و اصلاحات شارلمانی، اولین امپراتور بزرگ مسیحی غرب پس از سقوط روم غربی، را ابتدای این دوره می‌شمارند. برای پایان قرون وسطای فلسفی مورخان فلسفه نیز ظهور عصر رنسانس را مدنظر قرار می‌دهند.

یهودیت در حالی وارد قرون وسطی شد که اوضاع چندان مناسبی نداشت. درباره آغاز و پایان قرون وسطی اختلافاتی بین محققان وجود دارد. برای مثال، برخی آغاز آن را از زمان رسمیت یافتن مسیحیت در امپراطوری روم (قرن چهارم میلادی) و برخی دیگر زمان آن را پایان قرن پنجم می‌دانند. با تخریب معبد دوم اورشلیم، یهودیان مملکت خود را از دست دادند و در نقاط مختلف جهان پراکنده شدند. اگر بخواهیم جغرافیای پراکندگی یهود در آن دوره را در نظر بگیریم، باید بگوییم اکثر یهودیان در ممالک زیر پوشش دو امپراطوری بزرگ روم و ایران پراکنده شدند. اما دو حادثه مهم در این دو امپراطوری، باعث وخامت اوضاع یهودیان گشت. به هنگام تخریب معبد اورشلیم، یهودیانی که در بابل و مناطق اطراف آن تحت حکومت ایرانیان می‌زیستند، وضعیت نسبتاً مناسبی داشتند و به همین روی، بسیاری از آنان

امپراطوری، و ادیان دیگر را غیر قانونی اعلام کردند. این تحولات باعث شد که وضعیت یهودیان سخت‌تر از اوضاع پیروان ادیان دیگر شود؛ چرا که مسیحیان، یهودیان را در به صلیب کشیده شدن مسیح مقصر می‌دانستند. از این رو، اوضاع یهودیان در امپراطوری روم بسیار سخت و طاقت فرسا گردید؛ به گونه‌ای که مسیحیان از هیچ‌گونه سخت‌گیری و آزار نسبت به یهودیان کوتاهی نمی‌کردند. به هر حال اوضاع و احوال یهودیان در قرون وسطی تحت تأثیر نیروی قوی و نوین دو مذهب مسیحیت و اسلام، دگرگون شد.

ظهور اسلام و یهودیان

در روزگاری که دو امپراطوری بزرگ ایران و روم با دو گرایش دینی زرتشتی‌گری و مسیحیت، سخت‌ترین فشارها را بر پیکر یهودیت وارد می‌کردند، آیین جدیدی ظهور کرد که در واقع فرشته نجات یهودیان بود: مسلمانان در آغاز با یهودیان به نیکی رفتار کردند؛ در فلسطین و شام و عراق با آنها طریق مسالمت و مهربانی پیش گرفتند... یهودیان، غازیان (جنگجویان) عرب را ناجی خود می‌دانستند؛ چون که ایشان را از عذاب و آزار زرتشتیان و مسیحیان خلاصی می‌دهند.

وضعیت یهودیان در ممالک اسلامی

درباره برخورد مسلمانان با یهودیان و وضعیت یهودیان در ممالک اسلامی، عباراتی از دو نویسنده یهودی عبارتند از: برای یهودیانی که در قلمرو

تغییر یافت و آنان بر طبق خواسته روحانیون زرتشتی، پیروان همه ادیان از جمله یهودیان را مجبور به پذیرش آیین خود نمودند. بنابراین یهودیان ایران در

اولین کسی که توسط خلیفه رسماً

به عنوان ریش گالوتا شناخته شد،

«بوستنای» نام داشت و مقام و

منزلت او آن چنان عالی بود،

که اجازه داشت تمام اسناد و

احکام و فرامین خود را با

مهر رسمی مهور نماید

عصر ساسانیان در زیر سخت‌ترین فشارها قرار گرفتند و بسیاری از آنان مجبور شدند به مناطق دیگر مهاجرت کنند. از دیگر سو، مراکز علمی و دینی یهودیان در بابل و نقاط دیگر نیز بسته شد و دوران آزادی یهودیان در ایران به سر آمد. وضعیتی شبیه همین در امپراطوری روم برای یهودیان رخ داد و اوضاع آنان را از آنچه بود، بدتر کرد. یهودیان بعد از مرگ امپراطور هادریان در اواسط قرن دوم، اندکی آرامش یافتند و با اینکه اوضاعشان مناسب نبود، از شدت فشار بر آنان کاسته شد. در اوایل قرن چهارم، در امپراطوری روم حادثه مهمی رخ داد که نتیجه آن سخت‌گیری بسیار شدید نسبت به یهودیان بود؛ در این زمان، فردی به نام گنستانین که به مسیحیت تمایل داشت، به امپراطوری رسید. وی ابتدا مسیحیت را یکی از ادیان امپراطوری روم اعلام کرد و پس از او نیز جانشینانش این آیین را تنها آیین رسمی

حکومت اعراب می‌زیستند، دوره جدیدی از آزادی شروع می‌شد، حکام مسلمان به مراتب روشنفکرتر و آزادمنش‌تر از رهبران مسیحی آن زمان بودند. یهودیان تحت حکومت مسلمانان در صلح و رفاه زندگی می‌کردند. یهودیان تحت تأثیر علاقه و عشق اعراب به شعر و فلسفه قرار می‌گرفتند قبل از آن یهودیان خیلی کم به شعر و شاعری علاقه‌مند بودند. ولی اکنون شعر عبری شکوفا می‌شد، و پایاپای آن آثار جدیدی در فلسفه و منطق به قلم دانشمندان یهودی انتشار می‌یافت. اشعار بیشتر شعرای عرب، درباره جنگ و عشق و مال دنیا بود. در صورتی که یهودیان درباره بزرگی، حکمت و عظمت خداوند شعر می‌سرودند. هر دو قوم با هم در دانش و فرهنگ پیش می‌رفتند، و آزادی و آزاد فکری برای هر دو ملت اثرات سودمندی در برداشت. برای اولین بار از سال ۵۰۰ میلادی به این طرف، یهودیان ساکن بابل هوای تازه آرامش و آزادی را تنفس می‌کردند. دانشگاه‌های سورا و پومبیدتا که توسط حکام ایرانی بسته شده بودند، اینک مجدداً باز شدند.

یک بار دیگر بابل، مرکز تحصیل تورات و علوم دینی یهود برای تمام یهودیان جهان شد.

رهبری رش گالوتا

گرچه یهودیان مجبور به پرداخت باج و خراج به اعراب بودند، اما برای خود سازمان منظم و دادگاه‌های مخصوصی داشتند و رش گالوتا یا سرپرست گالوتیان، رهبری ایشان را برعهده داشت. اینک ایشان همان‌گونه که در اولین سال‌های حکومت

ایرانیان زیسته بودند، به صورت یک جامعه یهودی آزاد در بابل زندگی می‌کردند. مقام و منصب رش گالوتا یک بار دیگر مانند سابق شکوهمند و با عظمت شد. اولین کسی که توسط خلیفه رسماً به عنوان رش گالوتا شناخته شد، «بوستنای» نام داشت و مقام و منزلت او آن چنان عالی بود، که اجازه داشت تمام اسناد و احکام و فرامین خود را با مهر رسمی ممهور نماید. در زمان بوستنای، جامعه یهودیان بابل اهمیت و مقام والایی کسب نمود، زیرا او همواره با احترام و عظمت در دربار خلیفه بغداد پذیرفته می‌شد. هنگامی که بابل سقوط کرد، بیم آن می‌رفت که رشته زرین تورات گسیخته شود. ولی آمدن مسلمانان به بابل، و آزادی و تمدن و فرهنگی که ایشان با خود به ارمغان آوردند، به یهودیان کمک کرد که پیشرفت بیشتری نموده و قوی‌تر و سعادتمندتر شوند. در قلمرو مسلمین، موقعیت تازه‌ای برای عالم یهود به وجود آمد و امور معنوی و مادی یهود بسط و توسعه یافت. .. بغداد که تازه به پایتخت مسلمین تبدیل شده بود مرکز فعالیت یهودیان بابل بود و یهودیان نقاط مختلف را به طرف خود جلب می‌کرد و هر روز به جمعیت یهودی این پایتخت افزوده می‌شد، جماعت و موسسات یهودی در بغداد به قدری زیاد بود که حتی تا قرن بیستم، اواخر جنگ بین الملل دوم.. تا این اندازه نبوده است. به گفته یک مسافر به نام بینامین تودولایی در قرن ۱۲ میلادی، در این شهر چهل هزار نفر یهودی سکونت داشته و دارای بیست و هشت کنیسه و ده دانشکده برای علوم بودند.



حیات تازه جامعه یهود

پس از این که سرزمین مقدس به دست مسلمین افتاد و هر گونه محدودیت نسبت به یهودی‌ها رفع گردید، جامعه یهود از نو حیات تازه‌ای را شروع کرد. فشار و ظلم حکومت بیزانس یا روم تخفیف کلی یافت، آزادی و مساوات تقریباً در دسترس همه گذاشته شد و در پرتو آن همه گونه وسایل پیشرفت و ترقی برای یهودی‌های ساکن آنجا مهیا گردید و روز به روز افراد یهودی مراحل پیشرفت را با قدم‌های سریع پیموده و مدارج عالی را در هر رشته علم و صنعت طی کردند. بر خلاف فرمان هادریان، قیصر روم، که یهودی‌ها را از ورود به شهر اورشلیم منع کرده بود اکنون یهودی‌ها می‌توانستند وارد شهر اورشلیم شده و در آن سکونت کنند. به این جهت مرتب به تعداد خانواده‌های ساکن شهر افزوده می‌شد. قاهره در دوره خلفای فاطمی در سال ۹۶۹ میلادی مرکز علم و دانش و کانون تعلیم و تربیت برای یهودی‌ها شده، موقعیتی ممتاز یافت و با مراکز علمی بغداد در یک ردیف قرار گرفت. خلفای فاطمی، آزادی مذهب را برای تمام مذاهب تضمین کردند و در تمام ایالات و استان‌های تحت فرمان خویش مردم را در امور خود مستقل و آزاد می‌گذاشتند و با اهالی، عادلانه رفتار می‌کردند. در اثر این آزادی که از طرف دولت تضمین گردیده بود، جامعه یهود توانستند متشکل و متحد شده، عقاید و نظرات علمی خود را با هم رد و بدل کرده و در علم و معرفت به پیشرفت‌های زیادی نایل گردند. در زمان حکومت روم، یهودی‌ها از تمام تشکیلات دولتی اخراج شدند

ولی خلفای عرب و حکام مسلمان آزادانه هر گونه شغلی را در تشکیلات دولتی به یهودی‌ها واگذار می‌کردند و با نهایت اطمینان افراد خبره یهودی را در امور مالی و سیاسی دنیای اسلام دخالت داده از دانش و بینش ایشان کمک گرفته و با آن‌ها به شور و مشورت می‌نشستند... مسلمین برای کنترل اوضاع و ثبات و استحکام سیاست خود، همه مقرارت قبلی که برخلاف آزادی یهود بود ملغی و آزادی بیشتری به یهودیان داده، انجمن‌ها و موسسات ایشان را تقویت کردند... .. فرمانروایان عرب در مشرق امپراطوری اسلام همه گونه آزادی برای ملت یهود قائل گردیدند. آزادی در مذهب، آزادی در مسکن، در شغل و حرفه و آزادی در رفت و آمد و مسافرت چون جامعه یهود مقام و موقعیت بسیار ممتاز و برجسته‌ای به دست آورده مخصوصاً در امور تجارت و اقتصاد به موقعیت‌های بسیار درخشانی نایل شده بودند .

اوضاع یهودیان اسپانیا در قرون وسطی

در قرون وسطی یکی از مناطقی که در آن یهودیان رشد همه جانبه‌ای داشتند (خاصه در دوره

آنها را «مور» می‌نامیدند. یهودیان، این حکمرانان جدید را با آغوش باز پذیرفتند و حتی در تسخیر اسپانیا با آنها همکاری کردند. اعراب از مسیحیان اسپانیایی با سوادتر و متمدن‌تر بودند. آنها به هنر و موسیقی و شعر علاقه داشتند، و به زندگی با نظری آزادتر و سهل‌انگارتر نگاه می‌کردند، و در نتیجه با یهودیان به ملاطفت و مهربانی رفتار می‌نمودند. آنها به یهودیان اجازه دادند که به زندگی خود در اسپانیا در صلح و آرامش ادامه دهند، و آنان را آزاد گذاشتند که از قوانین مذهبی خویش پیروی نمایند. به خاطر همین رفتار دوستانه اعراب، بسیاری از یهودیان به سوی اسپانیا رهسپار شدند، و طولی نکشید که جامعه یهودیان در این سرزمین گسترش زیادی یافت. هنگامی که در قرن دهم میلادی مراکز تدریس و جمعیت یهودیان در بابل رو به تنزل می‌رفت، در اسپانیا جامعه یهودی قابل ملاحظه‌ای تشکیل شده بود. یهودیان اندلس در دوران فرمانروایی مسلمانان در آن سامان زندگی خوبی داشتند. هنگامی که به سال ۱۴۹۲ اندلس به طور کامل از دست مسلمانان خارج شد، یهودیان نیز از آن سرزمین تبعید شدند. آنان به کشورهای اسلامی شمال آفریقا روی آوردند، ولی تنها اندکی از ایشان در آن ورطه هولناک از چنگال دزدان دریایی و ناخدایان آزمند رهیده، به ساحل امن و امان رسیدند و در دامان پر مهر کشورهای اسلامی قرار گرفتند. منش نیک و رفتار انسانی مسلمانان با بیگانگان زبانزد تاریخ‌نگاران یهودی و مسیحی است.

(ادامه دارد)

حکومت مسلمانان بر آن منطقه)، کشور اسپانیا بود: پس از تنزل بابل و تعطیلی مراکز فرهنگ یهودی آن، بیشتر یهودیان ساکن آن دیار به سوی اسپانیا روی آوردند. آنها به صورت بازرگان یا سرباز به این سرزمین آمدند. در آن جا، آنها شاهد آزادی و صلح و آرامشی شدند که یهودیان اسپانیایی تحت سلطه مسلمین از آن برخوردار بودند. بسیاری از این یهودیان تصمیم گرفتند در آن کشور مقیم شوند، خانه بسازند، کشاورزی کنند، و به جامعه قلیل یهودیان اسپانیا بپیوندند. باید گفت که یهودیان از قرن چهارم میلادی در اسپانیا اقامت داشتند. در آن زمان کشور مذکور تحت تسلط ویزیکوت‌ها و گوت‌های غربی بود. ویزیکوت‌ها که شاخه‌ای از نژاد ژرمن به شمار می‌رفتند مسیحی بودند، ولی مذهب آنها با مذهب کاتولیک‌های روم اختلاف داشت. یهودیان اسپانیا در زمان تسلط ویزیکوت‌ها مرفه الحال و ثروتمند شدند. آنها مالک تاکستان‌ها و باغ‌های زیتون بودند، و خودشان یا غلام‌هایشان به امور کشاورزی آن باغ‌ها می‌پرداختند. آنها در شهرها هم زندگی می‌کردند و با آزادی و رفاهی که قانون برایشان تأمین می‌نمود، به بازرگانی و خرید و فروش اشتغال داشتند. هنگامی که عده زیادی از مردم اسپانیا کیش کاتولیک رومی را پذیرفتند، اذیت و آزار یهودیان شروع شد. بسیاری از آنها به زور و جبر غسل تعمید گرفته و مسیحی شدند، و عده‌ای هم به فرانسه و آفریقا گریختند. مدتی بعد که اعراب شمال آفریقا، اسپانیا را در سال ۷۱۱ میلادی فتح کردند، یهودیان روی آرامش به خود دیدند. این طوایف عرب، مسلمان بودند و اروپاییان



سونامی در راه است.

دوریتا معلمی

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

ساحل جامعه کوچک ما است و اگر هرچه زودتر اقدامات ایمنی و پیشگیرانه را انجام ندهیم، اثرات تخریبی آن چه بسا گسترده‌تر از جامعه اکثریت نیز باشد.

اما از آنجا که برای هر پیشگیری، شناسایی لازم است، بهتر است تا کمی با دلایل طلاق (چه رسمی و چه عاطفی)^۱ در ایران، طی سال‌های اخیر آشنا شویم:

■ تا همین دو سه دهه پیش وقتی قرار بود دختر و پسری با هم ازدواج کنند، انتظاری که از پسر به عنوان یک شوهر وجود داشت این بود که بتواند چرخ زندگی را بچرخاند. از دختر هم به عنوان یک همسر انتظار می‌رفت که در امور خانه‌داری مانند پخت و پز، شست و شو، رفت و رو، خیاطی و بچه‌داری مهارت داشته باشد. ضمن این که ویژگی‌های فردی اشخاص بسیار شبیه به هم

سونامی یک سری از موج‌های عظیم هستند که وقتی به ساحل برخورد می‌کنند می‌توانند موجب خرابی‌های شدید و تلفات انسانی شوند. بیشتر سونامی‌ها در اثر زلزله‌های زیر آبی ایجاد می‌شوند. با استفاده از فناوری‌های نوین می‌توان وقوع سونامی را پیش‌بینی کرده و مردم را از خطر احتمالی آن آگاه کرد.

تعجب شما خواننده محترم پس از مطالعه بند اول مقاله قابل درک است. چرا که سونامی یک پدیده جغرافیایی و زمین‌شناختی است در حالی که نویسنده مقاله یک روانشناس است. اما از آنجا که بسیاری از علوم در مباحث و زمینه‌های متفاوت با یکدیگر همپوشانی دارند، در اینجا نیز علم جغرافیا و علم روانشناسی در مبحث یک سونامی خاص به نقاط اشتراک زیادی رسیده‌اند و آن سونامی طلاق است!!! بله طلاق.

امواج این سونامی که سواحل جامعه اکثریت را درنور دیده، هم‌اکنون در حال رسیدن به

^۱ - طلاق عاطفی به طلاقی گفته می‌شود که اگرچه زوجین زیر یک سقف و در کنار هم زندگی می‌کنند اما به لحاظ عاطفی بسیار از هم دورند و دیگر هیچ صمیمیت و علاقه‌ای بین آن دو نیست.



بود. یعنی اکثر مردان و اکثر زنان در اکثریت ویژگی‌هایشان شبیه به سایر مردان و زنان بودند. در حالی که در فضای زندگی کنونی که تکنولوژی با سرعتی سرسام‌آور پیش می‌رود و افراد در کنار آن به شناخت استعدادها، توانمندی‌ها، خواسته‌ها و ویژگی‌های فردی خود تاکید بسیار دارند، تفاوت‌های فردی بسیار افزایش یافته که حاصل آن، گسترش همه جانبه انتظارات و توقعات زن و مرد از یکدیگر می‌شود.

■ در کنار شناخت استعدادها، توانمندی‌ها و..... که در بند فوق ذکر شد، شناخت ویژگی‌های عاطفی و روانی در افراد صورت نمی‌پذیرد. یعنی دختر و پسر نه تنها از نقاط قوت و ضعف شخصیت طرف مقابل آگاهی ندارند، بلکه نسبت به این ویژگی‌ها در وجود خودشان نیز آگاه نیستند و وقتی این نقاط ضعف شخصیتی حاد باشد، یعنی فرد دچار اختلال شخصیت^۲ باشد، احتمال بروز اختلافات و رسیدن زوج به مرحله طلاق افزایش می‌یابد.

■ معیارهای نادرست یا تک بعدی در انتخاب همسر نیز از جمله راه‌هایی است که ازدواج را با سرعت و شدت به مقصد طلاق می‌رساند. به عنوان مثال در سال‌های اخیر بسیار می‌بینیم و می‌شنویم که

دختران و پسران، پیش از آن که به شناسایی ویژگی‌های فردی و شخصیتی و خواسته‌ها و توقعات طرف مقابل بپردازند، او را صرفاً از بعد مالی مورد گزینش قرار می‌دهند.

■ اطلاعات و دانش پایین در امر همسراری و شیوه برخورد با مسایل مختلفی که در زندگی پیش می‌آید، عدم توانایی در مدیریت بحران، پایین بودن آستانه تحمل و ناتوانی در مدیریت خشم و که در مقوله «مهارت‌های زندگی» می‌گنجد نیز یکی از دلایل رایج طلاق است.

■ مشکلات و مسایل جنسی و نبود آگاهی و مهارت‌های لازم در این زمینه را نیز شاید بتوان یکی از دلایل بسیار مهم در رشد طلاق به‌ویژه از نوع عاطفی آن دانست که بواسطه نفس ماجرا، زوجین معمولاً از عیان کردن آن خودداری کرده و در بسیاری از موارد نمی‌دانند که دچار مشکلند یا درمانگرانی هستند که می‌توانند در این زمینه مشکلاتشان را برطرف نمایند.

■ در کنار دلایل فوق که در جامعه اکثریت و اقلیت تقریباً به‌طور مشابه وجود دارد، مورد «کم بودن

^۲ - اختلال شخصیت یعنی الگویی ثابت از رفتارها، احساسات و افکار که منجر به مشکلات جدی در کارکرد و زندگی فرد می‌شود. مانند بدبینی، پرخاشگری، اضطراب، افسردگی، وسواس و

■ فراگیری مهارت‌های زندگی مانند گفتگوی اصولی، مدیریت خشم، قاطعیت، حل مسئله و..... قویا پیشنهاد می‌شود. این مهارت‌ها موجب می‌شوند تا زن و شوهر در موقعیت‌های تنش آفرین زندگی، عاقلانه‌تر و هوشمندانه‌تر رفتار کرده و تصمیمات مناسب‌تری اتخاذ کنند و این نیز با شرکت در کلاس‌های مربوطه به آسانی قابل اجرا است.

■ بهتر است تا زوجین در ۱-۲ سال اول زندگی صاحب فرزند نشده و در طی این مدت در جهت تقویت و استحکام رابطه خود تلاش نمایند و در صورت وجود مشکلات اساسی و جدی هرگز و هرگز به فکر بدنيا آوردن فرزند نبوده بلکه فقط در جهت بررسی مشکل بکوشند.

■ مراجعه به مشاور پیش از ازدواج برای انتخاب صحیح همسر و مشاور خانواده برای بررسی و حل مشکلات زوجین به‌خصوص در سال‌های اول زندگی، یکی از بهترین و مناسب‌ترین اقداماتی است که به همه توصیه می‌شود.

■ و مورد آخر: «کم بودن گزینه برای انتخاب» هرگز توجیه و دلیل درستی برای تن دادن به هر ازدواجی نیست.

قطعا در کنار مطالب ذکر شده دلایل و راهکارهای دیگری نیز وجود دارد ولی مطالب فوق به چشم نگارنده، پر رنگ‌تر دیده شده است.

به امید سعادت

روزافزون خانواده‌ها و پرورش نسل‌هایی سالم‌تر

گزینه برای انتخاب» نیز هست که دامن‌گیر جوامع اقلیت بوده و این خود معضلی است به‌غایت معضل! و اما برای ایمن بودن از طلاق، چه رسمی و چه عاطفی، و آسیب‌های ناشی از آن که نه تنها بر دوش زن و شوهر بلکه بر دوش خانواده‌ها، جامعه و به‌ویژه فرزندان خواهد بود بهتر است به نکات زیر توجه وافر داشته باشیم:

■ لازم است در ابتدا دختر و پسر نسبت به ویژگی‌های روانی و عاطفی خود و همچنین انتظارات و توقعاتشان از همسر آینده‌شان و همچنین ویژگی‌های جنسیتی خود و جنس روبرو در زمینه‌های متفاوت آگاهی بیابند. این امر با مطالعه کتب روانشناسی به زبان ساده و شرکت در کلاس‌های خودشناسی محقق خواهد شد.

■ دوره معاشرت و آشنایی تا قبل از رسمی شدن آنقدر ادامه داشته باشد که دختر و پسر بتوانند در شرایط و موقعیت‌های متفاوت یکدیگر را بیازمایند. این دوره صرفا در جهت شناخت یکدیگر باشد (و نه لزوما تفریح و وابستگی عاطفی) و بهتر است شامل ۴۰۰-۵۰۰ ساعت بحث و گفتگو در زمینه مسایل مختلف و مهمی مانند فرهنگ، مذهب، مسایل مالی، نوع رابطه با خانواده‌ها، سرگرمی‌ها،.... و هر مسئله دیگری که برای فرد مهم است باشد. نکته حائز اهمیت این است که در طی این مدت هر دو طرف باید نسبت به نشانه‌های خطر آگاه و حساس بوده و هرگز آنها را نادیده نگیرند.

معرفی کتاب : بانوی بهشتی

لنا دانیالی

بانوی بهشتی
نویسنده: لونا دانیالی
دکتر روشن ولی



توصیف‌ها
در این باره
آن است که
در پشت جلد کتاب آمده :

«خواننده جوان و عزیزم، تو باید بدانی که من از سال‌های جنگ و اشغال کشورمان نفرتی عمیق در دل دارم، زمانه‌ای که به جای کتاب و قلم، تپانچه و نارنجک در دست‌هایمان می‌چپاند و به جای این که به ما راه زیستن را بیاموزد امر به مردن می‌کند. چه قرن بد و روزگار دهشتناکی است که بچه‌ها را به جای مدرسه به پشت سنگرها می‌فرستند. شاید تو دوست داشته باشی باز هم از پسران نترس گروه‌های پارتیزانی که قهرمانانه جان باختند، برای روایت کنم اما باور کن من دیگر قادر نیستم و جرأت نوشتن درباره‌ی آن حوادث را ندارم.....»

نثر کتاب بسیار زیبا و روان است و جذابیت داستان‌ها چنان است که کتاب را زمین نخواهید گذاشت مخصوصاً وقتی خود داستان بانوی بهشتی را می‌خوانم بسیار جذب روایت شده بودم، داستانی که معجونی از نقش دین و قومیت و جنگ بود.

پیش‌تر از این هم کتاب‌هایی از انتشارات ماهی در بینا معرفی کرده بودیم. از این انتشارات کتاب‌هایی مثل یعقوب کذاب یا مجموعه آثار کافکا قبلاً منتشر شده بود که محتوای آن با یهودیان مرتبط بود. این بار مجموعه داستان کوتاه بانوی بهشتی گردآوری شش داستان کوتاه است از پنج نویسنده به نام لهستانی که هر کدامشان در مقدمه هر داستان به خوبی معرفی شده‌اند. گزینش و معرفی نویسندگان و داستان‌ها مرهون حسن سلیقه و دقت نظر دکتر روشن وزیری است که این مجموعه را از زبان لهستانی به فارسی برگردانده‌اند. خانم وزیری شاید تنها یا از معدود مترجمانی‌اند که تخصصاً از لهستانی به فارسی ترجمه می‌کنند و مثل خانم مژده دقیقی سبک و سیاق خاص خودشان را دارند. خانم وزیری داستان‌ها را چنان انتخاب کرده‌اند که با ذائقه خواننده ایرانی همخوانی داشته باشد. وجه مشترک همه این داستان‌ها آن است که از جنگ و مکافات آن حکایت می‌کند و به نوعی خواننده را در این بین با تاریخ لهستان آشنا می‌کند، همچنین است که لهستان یکی از مراکز اجتماع یهودیان بوده و در این مجموعه داستان با جنگ جهانی دوم و اتاق‌های گاز با روایتی دیگر مواجه‌ایم.

آن چه بیش از همه در این داستان‌ها توجه مرا به خود جلب کرد آن بود که روایت داستان‌ها گرچه از جنگ بود، هیچ کجا قهرمانی را معرفی نمی‌کرد و هیچ ملتی یا فردی در این میانه برنده نبود و شاید یکی از بهترین

و سخن آخر آن که مجموعه داستان بانوی بهشتی در قطع جیبی به بهای ۷۵۰۰ تومان و در ۱۸۹ صفحه همین امسال منتشرشده، امید که مورد پسند افتد. ■



تشابه زبان عربی و عبری

(ممن دلریم)

مقدمه:

در طول دوران معلمی بعضی از افرادی که ابراز علاقه به یادگیری زبان عبری می نمودند برادران و همکاران محترم مسلمان کشور عزیز خودمان ایران بودند. چون همکاران عربی مخصوصاً قرآن کریم را به خوبی می دانستند، موقع تدریس و مقایسه لغات عبری با عربی (که هم ریشه ای هستند) ، تعجب می کردند.

بنابراین در صدد برآمدم که توسط مجله محبوب افق بینا ارگان انجمن کلیمیان تهران که خوانندگان آن علاقه بیشتری دارند که زبان عبری را یاد بگیرند این مقایسه درج شود.

زبان عبری که یکی از زبان های باستانی خاورمیانه است مانند زبان فارسی ، عربی و لاتین دارای فرهنگ بسیط و مدونی است که تاریخچه این زبان در همین مجله شماره ۲۱ چاپ رسیده است.

لازم می دانم به عرض خوانندگان گرامی برسانم که : شکل حروف عبری پ و ف (פ) و شکل حروف ب و و (ב) و شکل حروف عبری ک و خ (כ) و شین و سین (ש) و همچنین حروف گ و ج (ג) یکی است و در شرایط خاص براساس قواعد دستور زبان عبری به هم تبدیل می شوند مثال שלום עליکم = سلام علیکم و یا קרא בשם רבך قراء بسم ربناخ = إقراء بسم ربك = به خوان به نام پروردگارت

عبری	تلفظ عبری	عربی	معنی	عبری	تلفظ عبری	عربی	معنی
אלוה	آله	الله	خد-ا	אנחנו	آنحو	نخنو	ما
רחמן	رحمان	رحمن	رحیم- رثوف	כח	- خیم	کیم	شما
הרחמן	هارحمان	الرحمن	خدای مهربان	הם	هم	هم	آنها
שלום	شالم	سلام	سلام	זמן	زمن	زمان	زمان
תורה	تورا	توراة	کتاب مقدس تورات	ענב	عناو	غنب	انگور
עליکم	علخیم	علیکم	بر شما	מלח	ملخ	ملح	نمک
אב	آو	آب	پدر	זהב	ذاهاو	ذهب	طلا
אם	ام	أم	مادر	זוג	زوک	زوج	جفت
אח	آخ	أخ	برادر	שנה	شانا	سنة	سال
יום	یوم	يووم	روز	ראש	رُش	راس	سر
ליל	لیل	لیل	شب	עין	عیین	عین	چشم
בן	بن	ابن	پسر	זיג	ذیج	ذیح	ذبح
יד	ید	يد	دست	רסן	رسن	رسن	طناب- افسار
פלפל	پلیل	فلفل	فلفل	זנב	زنو	ذنب	گرگ
מטבח	میطباخ	مطبخ	آشپزخانه	אסיר	أسیر	اسیر	زندانی
תחת	تخت	تحت	زیر	אדם	آدام	آدم	آدم
צייד	صیاد	صياد	شکارچی	קצב	قصابو	قصاب	قصاب

עֵלָם	עֵלָם	عالم	عالم	אַרְבַּע	אַרְבַּע	اربع	چهار
טוֹב	טוֹוּ	طوبا	خوب	חָמֵשׁ	חָמֵשׁ	خمس	پنج
שׁוּק	שׁוּק	شوق	بازار	מוֹת	מוֹת	موت	مرگ
טֵלְפוֹן	טֵלְפִין	تلفن	تلفن	קוֹל	קוֹל	قل	گفته - صدا
אֶרֶץ	אַרְצ	ارض	زمین - کشور	תִּשְׁעָה	תִּשְׁעָה	تاسوعا	نه
בֵּטָן	בֵּטִין	بطن	شکم	עֶשְׂרֵה	עֶשְׂרֵה	عاشورا	ده
שֵׁן	שֵׁן	سن	دندان	שִׁבְעֵה	שִׁבְעֵה	سبع	هفت
שושן	שושֵׁן	سوسن	سوسن	נֶגֶד	נֶגֶד	نجار	نجار
לוּחַ	לוּוֹחַ	لوح	تابلو	סֶרְטָן	סֶרְטָן	سرطان	سرطان
כְּרוֹב	כְּרוּוּ	کروبی	فرشته	נְבִיא	נְבִיא	نبی	پیغمبر
כְּרֶפֶס	כְּרִפֵּס	کرفس	کرفس	נֶדֶר	נֶדֶר	نذر	عهد
מָשִׁיחַ	מָשִׁיחַ	مسیح	مسیح	נֶפֶשׁ	נֶפֶשׁ	نفس	جان
רֶמֶז	רֶמֶז	رمز	اشاره	פֶּלַח	פֶּלַח	فلاح	کشاورز
כוֹכָב	כוֹחָו	کوکب	ستاره	כָּל	כָּל	کل	تمام
סְפִינָה	סְפִינָה	سفینه	کشتی	חַיָּט	חַיָּט	خیاط	خیاط
צְדָקָה	צִדָּאָה	صدقه	صدقه	בָּקָר	בָּאָר	بقر	گاو
טַעַם	טַעֵם	طعم	مزه	עוֹלָם	עוֹלָם	عولام	دنیا
עֵדֶשׁ	עֵדֶשׁ	عدس	عدس	רוּחַ	רוּחַ	روح	روح
לָשׁוֹן	לָשׁוֹן	لشّان	زبان	עֶבֶד	עֶבֶד	عبد	بنده - غلام
מַחְסָן	מַחְסָן	مخزن	انبار - مخزن	צִמְרָה	צִמְרָה	سمر	پشم
יָם	יָם	یم	دریا	דָּם	דָּם	دم	خون
חַנוּת	חַנוּת	حانوت	دکان	מִפְתָּח	מִפְתָּח	مفتاح	کلید
אָצִיל	אָצִיל	اصیل	نجیب	פִּיל	פִּיל	پیل	فیل
עֵדֶן	עֵדֶן	عَدْن	بهشت	צִדִּיק	צִדִּיק	صدیق	پرهیزگار - مومن
צֵל	צֵל	ظل	سایه	קֶבֶר	קֶבֶר	قبر	آرامگاه
אָמֵן	אָמֵן	آمین	چنین باد - آمین	רוּחָנִי	רוּחָנִי	روحانی	روحانی
קֹדֶשׁ	קֹדֶשׁ	قدس	مقدس	בָּשָׂר	בָּשָׂר	بشر	بشر
זָכָר	זָאָר	ذکر	جنس نر	זָרָבָן	זָרָבָן	قربان	تقدیمی - قربانی
חַי	חַי	حی	زنده	שָׁטָן	שָׁטָן	شیطان	شیطان
אָמַר	אָמַר	امر	امر کرد - گفت	מָשָׁל	מָשָׁל	مثل	مثل
מֶלֶךְ	מֶלֶךְ	ملک	پادشاه	מַמְלָכָה	מַמְלָכָה	مملکت	مملکت
בֵּין	בֵּין	بین	وسط	יְחִוּם	יְחִוּם	یتیم	بی پدر، یتیم
צֶדֶק	צֶדֶק	صدق	عدل - صداقت	דָּב	דָּו	دب	خرس
מִזְבֵּחַ	מִזְבֵּיחַ	مذبح	قربانگاه	כָּזָב	כָּזָו	کذب	دروغ
בָּטָל	בָּאָטל	باطل	باطل	כְּתִיבָה	כְּתִיבָה	کتیبه	نوشته
כֹּהֵן	כֹּהֵן	کاهن	کاهن - کشیش	שָׁמֶן	שָׁמֶן	سمن	روغن
כוֹפֵר	כוֹפֵר	کافر	خدانشناس	נֶפֶט	נֶפֶט	نفت	نفت
מִשְׁכָּן	מִשְׁכָּן	مسکن	مسکن	טָהוֹר	טָהוֹר	طاهر	پاک



نام نیکو گر جهان شادی به کرر ملک سران و زرنگار

فرانک عراقی

متأسفانه قبل از چاپ این مصاحبه که در تاریخ ۶۳ مهر ماه ۹۳ انجام شده است، آقایان شادی چشم از این جهان فرو بست و به دیار باقی شتافت. در همین جا لازم می‌دانم، فقدان آن عزیز بزرگوار را به خانواده محترم و جامعه کلیمیان تسلیت بگویم. اما در واقع نیکی‌های آن مرحوم و یادگارهای به جا مانده از او آن قدر هست که همگان با یادآوری آن‌ها نامش را به نیکی بیزند و از او به خوبی یاد کنند در واقع مردانی که خوبی و نیکی را از خود به یادگار گذاشته‌اند هرگز نمی‌میرند چرا که:

هرگز نمیرد آن که نامش زنده شده به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

روحش شاد و یادش گرامی

حاجی ماری ۵ پسر داشت که جلوی نام خانوادگی ۴ نفر از آنها کلمه شادی را اضافه کردند و به این ترتیب نام خانوادگی آنها به شادی تغییر یافت.

شغل اصلی پدر آقا جان نخریسی بود. او زیرزمین خانه‌شان را که دارای چندین اتاق بود به این کار اختصاص داده بود که اصطلاحاً به هر دستگاه نخریسی یک کارخانه می‌گفتند و پدر آقا جان ۴-۵ کارخانه نخریسی را در زیرزمین خانه اداره می‌کرد.

آقا جان در کاشان تا سطح پنجم ابتدایی درس خواند و پس از آن در کنار عمویش به کار نخریسی و کارگاه قالی‌بافی مشغول گردید. بعد از ۵ سال، با سرمایه‌ای که به دست آورده بود به طور مستقل مغازه‌ای گرفت و کار خود را شروع کرد. به مرور اوضاع مالی بهتر شد و تصمیم به مهاجرت گرفت و به تهران آمد. او در سن ۲۰ سالگی وارد تهران شد و به خدمت سربازی رفت. سرمایه به دست آمده از کار را به برادرش سپرد و بعد از خدمت سربازی با او مشغول به کار شد و این شراکت تا به آخر ادامه داشت و این دو برادر اصطلاحاً جمع‌المال بودند.

در ابتدا کار پارچه‌فروشی را ادامه دادند اما بعد از جنگ جهانی دوم کارهای تجاری رونق گرفت. واردات آهن- ابزارآلات صنعتی - قطعات یدکی اتومبیل و حتی راه‌سازی از مشاغل بود که این دو برادر برای سال‌های متمادی ادامه دادند و بسیار نیز در کار

آقا جان شادی از خیرین و فعالین اجتماعی جامعه کلیمی مدتهاست به علت کهولت سن کمتر در محافل عمومی دیده می‌شود و بیشتر در منزل به استراحت می‌پردازد. خوشبختانه ایشان دارای حافظه بسیار قوی هستند و همه خاطرات خود را به خوبی به یاد دارد، فقط به دلیل ناتوانی در پاها در حرکت خود با مشکل مواجه‌اند اما همچنان با فراغ بال و رویی گشاده تا حد توان به مشکلات مردم رسیدگی و به درد دل آنها گوش می‌دهد. طی گفتگویی که با پسرشان «رحمت شادی» انجام دادم ایشان قبول زحمت کردند و بار دیگر مروری شد بر خاطرات و زندگی‌نامه پرنمراقا جان شادی

آقا جان شادی در اول تیر ماه ۱۳۹۷ در شهر کاشان در میان خانواده‌ای سرشناس و متدین به دنیا آمد. مادرش «گوهرت یحزقل کوهن» زنی از خانواده کهنیم و بسیار نیکوکار و با فرهنگ بود. پدرش «رحمان بن حاجی ماری» نام داشت که در حدود چهل سالگی کمی پس از به دنیا آمدن آقا جان (حدود یک سال و نیم) بر اثر ابتلا به حصبه، چشم از دنیا فرو بست و بار زندگی و مسئولیت فرزندان را بر دوش مادر نهاد.

نام نیکو گریماند ز آدمی ...



در جامعه کلیمی کم نیستند کسانی که با تمام وجود قصد خدمت دارند و بدون هیچ توقعی همواره خود را وقف امور جامعه می‌کنند. آقاخان شادی یکی از این عزیزان است که همواره خود را وقف امور جامعه کرده و در تمامی طول عمر پُربار خود از هیچ کمکی مضایقه نکرده است و با گشاده‌رویی و حسن اخلاق ذاتی که زبانزد خاص و عام است مورد احترام جامعه می‌باشد. از درگاه خداوند برای ایشان سلامتی و طول عمر آرزو می‌کنیم و امیدواریم راه ایشان در جامعه پُر رهرو باشد. ■



نام نیکو گریمالد (آدمی) ...

خود موفق بودند به طوری که بارها و بارها به آمریکا و اروپا سفر کردند و تاجران موفق بودند.

آقاخان در سن ۲۸-۲۷ سالگی با «ننه جان تیشبی» پیوند زناشویی بست و دختری بود از یک خانواده سرشناس کاشان که در تهران به دنیا آمده بود. ثمره این ازدواج ۱۱ فرزند بود که ۹ فرزند از آن باقی مانده است و نوه‌ها و نتیجه‌های موفق نیز حاصل آن بوده است.

بعد از مدتی آقاخان به همراه برادرش به کار راهسازی روی آوردند که هزاران کارگر در این مجموعه فعالیت می‌کردند، آرام آرام به سمت فروش ماشین‌های دست دوم راه پیدا کردند به طوری که در هنگام آغاز جنگ ایران و عراق ۲۰ دستگاه ماشین‌آلات در گمرک ماند و متأسفانه از دست رفت. آقاخان در خیابان قزوین تهران، مغازه‌ای داشت که مجدداً آن را راه‌اندازی نمود.

فعالیت‌های اجتماعی آقاخان از زمان قبل از انقلاب شروع شد. زمانی که در پل چوبی تهران ساکن بود در کلاس‌های عبری بچه‌ها فعالیت می‌کرد و بعد از تعویض محل سکونت و نقل مکان به محله یوسف‌آباد در انتخابات انجمن کنسای یوسف‌آباد شرکت کرد و رأی اول را به دست آورد. بعد از وقوع انقلاب به تشویق آقای یشایایی، آقاخان شادی نیز به سمت انجمن کلیمیان کشیده شد و مدتی معاون اول انجمن کلیمیان تهران بود، اما او به دنبال مقام و موقعیت نبود. در بسیاری از کارهای خیر، داوطلبانه شرکت می‌کرد و گره از مشکلات جامعه باز می‌کرد. همواره با روی گشاده و طیب خاطر به درددل‌های مردم گوش می‌داد و اگر کاری از دستش برمی‌آمد از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد.

مدتی بعد از مرحوم لقمان میکائیل عهده‌دار امور بهشتیه شد و سال‌ها خدمات بی‌شائبه‌ای را در آن ارائه داد و هنگامی که به علت کهنولت سن کمتر از خانه بیرون آمد پسرش الیاس وظایف او را در بهشتیه ادامه داد. او در کمیته حل اختلاف انجمن شرکت می‌کرد، در جهت رفع احتیاجات افراد بی‌بضاعت اقدامات لازم را انجام می‌داد.

هنگامی که مصابری به صورت اتوماتیک شروع به کار کرد آقاخان داوطلبانه جزو اولین کسانی بود که همکاری خود را شروع کرد و طی مدت سی سال همواره مسئولیت کامل تهیه گندم و آرد تا پخت و بسته‌بندی مصا را مدیریت نمود.

چندین سال پیش زمانی که مقبره ملا موشه هلووی در کاشان بازسازی می‌شد هر جمعه به کاشان می‌رفت و از نزدیک به آن نظارت داشت، حتی اگر لازم می‌شد اواسط هفته نیز به آن جا می‌رفت.



یهودیان مشهور : مارک زاکربرگ

نیوشا پایاب

مارک زاکربرگ

(موسس فیس بوک)

مارک الیوت زاکربرگ را با عناوینی همچون برنامه‌نویس رایانه‌ای و کارآفرین اینترنتی می‌شناسند. اما این جوان ۳۱ ساله یهودی آمریکایی همه شهرتش را مدیون بزرگ‌ترین شبکه اجتماعی دنیا یعنی فیس بوک است.

زاکربرگ بنیان‌گذار این شبکه اجتماعی و مدیرعامل کنونی آن است. زاکربرگ در دوران دانشجویی‌اش در دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۰۴ به اتفاق چند تن از همکلاسی‌هایش به نام‌های داستین مسکوویتز، ادوارد و ساورین و کریس هیوز شرکت فیس بوک را تاسیس کردند. فیسبوک که حالا ۸ ساله شده است در سراسر جهان بیش از ۸۰۰ میلیون کاربر دارد.

زندگی شخصی

زاکربرگ در ماه می ۱۹۸۴ در نیویورک متولد شد. پدرش دندان‌پزشک و مادرش روان‌پزشک بود. وی در دوران نوجوانی که در کالج استرا آکادمی درس می‌خواند توانست در رشته‌های علمی ریاضیات، ستاره‌شناسی و فیزیک جوایز مختلفی را از آن خود کند. زاکربرگ علاقه زیادی نیز به مطالعات کلاسیک داشت و زمانی که وارد کالج شد می‌توانست به زبان‌های فرانسه، عبری، لاتین و یونانی باستان بخواند و بنویسد. زاکربرگ دو توانمندی دیگر نیز داشت که باعث می‌شد در آن زمان زبانزد اطرافیانش شود: اشعار کلاسیک زیادی مثل ایلید و ادیسه هومر را از حفظ می‌خواند و در ورزش شمشیربازی نیز تبحر زیادی داشت.

زاکربرگ دانش‌آموز مقطع راهنمایی بود که با رایانه و طراحی نرم‌افزار آشنا شد. در آن زمان پدرش برنامه‌نویسی به زبان Atari BASIC را به او آموخت و یک برنامه‌نویس مشهور به نام دیوید نیومن را برای تدریس خصوصی او استخدام کرد. نیومن

دانشجویان به کمک این برنامه می‌توانستند کلاس‌های خود را با توجه به انتخاب دیگر دوستان و هم‌کلاسی‌هایشان انتخاب کنند و گروه‌های مطالعاتی مختلفی را شکل دهند. کمی بعد او برنامه‌ای طراحی کرد که در ابتدا آن را «فیس مش» (Facemash) می‌نامید. این برنامه به دانشجویان اجازه می‌داد از میان عکس‌های افراد مختلف خوش قیافه‌ترین فرد را انتخاب کنند.

آریه هزیت، هم‌اتاقی زاکبرگ در دانشگاه هاروارد درباره این برنامه گفته است: ما در آن زمان کتاب‌هایی داشتیم که فیس بوک (Face Book) نامیده می‌شد. این کتاب‌ها دارای اسامی و تصاویر افرادی بود که در خوابگاه‌های دانشجویی زندگی می‌کردند. زاکبرگ در ابتدا وب سیتی طراحی کرد و عکس دو نفر را بر روی آن می‌گذاشت. بازدیدکنندگان سایت می‌توانستند درباره این که کدام یک از این دو نفر قیافه جذاب‌تری دارند، نظر بدهند. در پایان نظرات کاربران به رتبه‌بندی تبدیل و جذاب‌ترین فرد اعلام می‌شد. این سایت در یکی از تعطیلات آخر هفته از کار افتاد. استقبال گسترده دانشجویان هاروارد از آن باعث شد سرور مرکزی دانشگاه از کار بیفتد و دسترسی دانشجویان به اینترنت قطع شود. در زمان راه‌اندازی سایت «فیس مش»، دانشجویان از مسئولان دانشکده می‌خواستند وب سایت داخلی مشابهی را طراحی کنند تا آن‌ها بتوانند عکس‌ها و جزئیات بیشتری از خود در آن به اشتراک بگذارند. زاکبرگ که این درخواست‌ها را شنیده بود، خود دست به کار شد و وب سیتی طراحی کرده بود

زاکبرگ را یک اعجوبه می‌نامید. زاکبرگ در همان دوران یک دوره برنامه‌نویسی را نیز در مرسی کالج نیویورک گذراند.

وی از همان ابتدای برنامه‌نویسی علاقه زیادی به نرم‌افزارها و ابزارهای ارتباطی و شبکه‌ای داشت. در آن زمان برای پدرش که دندانپزشک بود برنامه‌ای به نام زاکرنت طراحی کرد که پدرش به کمک آن توانست رایانه‌های مطب دندانپزشکی خود را به رایانه خانه‌اش متصل کند. امروزه زاکرنت را نسخه اولیه مسنجر پیام فوری AOL می‌دانند.

زاکبرگ در زمانی که دانش‌آموز دبیرستان بود کار مهم دیگری نیز انجام داد. وی برای شرکت ایتلیجنت مدیا گروپ برنامه پخش موسیقی طراحی کرد که سیناپس (Synapse) نامیده می‌شد. این برنامه به کمک هوش مصنوعی می‌توانست عادت‌های کاربران در گوش کردن به موسیقی را تشخیص دهد. این برنامه در آن زمان محبوبیت زیادی کسب کرد و شرکت‌های AOL و مایکروسافت تلاش زیادی کردند تا زاکبرگ را به استخدام خود در آورند، اما زاکبرگ ورود به دانشگاه هاروارد در سپتامبر ۲۰۰۲ را به کار در این شرکت‌ها ترجیح داد.

راه‌اندازی بزرگ‌ترین شبکه اجتماعی دنیا

زاکبرگ در دانشگاه هاروارد در رشته روانشناسی و علوم رایانه‌ای تحصیل می‌کرد. وی که در دوران دانشجویی‌اش همه از او با عنوان اعجوبه برنامه‌نویسی یاد می‌کردند، برنامه‌ای با عنوان Coursematch طراحی کرد که شبیه برنامه‌های انتخاب واحد بود.



عناوین و موفقیت‌ها

زاکربرگ در سال ۲۰۰۷ در فهرست منتشر شده از سوی شرکت MIT به عنوان بزرگ‌ترین مبتکر جوان جهان معرفی شد.

مجله تایم در سال ۲۰۱۰ زاکربرگ را به عنوان شخصیت سال خود برگزید. در سال ۲۰۱۱ وی با ۱۷,۵ میلیارد ثروت به جوان‌ترین میلیاردر جهان تبدیل شد. نشریه ونیتی فیر (Vanity Fair) نیز در سال ۲۰۱۰ فهرست صد نفر از تأثیرگذارترین شخصیت‌های عصر اطلاعات را منتشر کرد که مارک زاکربرگ نفر اول این فهرست بود.

مارک زاکربرگ و فیس بوک در سال ۲۰۱۰ موضع یک فیلم سینمایی با عنوان «شبکه اجتماعی» قرار گرفتند. در این فیلم که ساخته دیوید فینچر است، جسی ایزنبرگ نقش مارک زاکربرگ را بازی کرد. وقتی ماجرای ساخت این فیلم را به زاکربرگ گفتند او در پاسخ گفت: «کاش تا زمانی که زنده هستم هیچکس درباره من فیلمی نمی‌ساخت.» ■

که به مراتب از آن چه مسئولان دانشگاه راهاندازی کرده بودند، بهتر بود. این وب سایت فیس بوک نام گرفت.

زاکربرگ، وب سایت فیس بوک را در ۴ فوریه ۲۰۰۴ از اتاقش در خوابگاه دانشگاه هاروارد راهاندازی کرد. پس از آن زاکربرگ تصمیم گرفت امکان استفاده از این وب سایت را در مدارس و دانشگاه‌های دیگر هم فراهم سازد. مدتی بعد، وی به همراه چند نفر از دوستانش به پالو آلتو در کالیفرنیا رفتند و خانه کوچکی اجاره کردند. آن‌ها از این خانه به عنوان دفتر کار خود استفاده می‌کردند. رفته رفته کار فیس بوک بالا گرفت و شرکت‌های زیادی برای خرید آن ابراز تمایل می‌کردند. اما زاکربرگ هیچکدام از این پیشنهادات را نپذیرفت. خود وی در این باره گفته بود: «... این کار را به خاطر پول انجام ندادیم. برای من و همکارانم مهم‌ترین موضوع این بود که توانسته بودیم یک جریان آزاد اطلاعات را برای افراد ایجاد کنیم. مالکیت غول‌های تجاری بر شرکت‌های رسانه‌ای برای من ایده جذابی نبود».

زاکربرگ در سال ۲۰۱۰ اعلام کرد کاربران فیس بوک به مرز ۵۰۰ میلیون نفر رسیده است. ۲۴ می ۲۰۰۷ زاکربرگ پلت فرمی را برای شبکه اجتماعی فیس بوک طراحی کرد که برنامه‌نویسان به کمک آن می‌توانستند نرم‌افزارهای کاربردی سازگار با فیس‌بوک را طراحی کنند. گفته می‌شود هم‌اکنون بیش از ۸۰۰ هزار برنامه‌نویس در سراسر دنیا از این پلت فرم استفاده می‌کنند.

**ابراهیم سعیدیان متولد سال ۱۳۳۰ مسئول کانون فرهنگی،
هنری و اجتماعی کلیمیان تهران بنیانگذار بنیاد ازدواج،
شاعر ملی یهود، شاعر کتاب تورات منظوم.**

روش‌هشانا یا اول سال عبری

به سال نو خدا این سان ندا داد
پیام دلنشین، بر قوم ما داد
به پا خیز، ای که در خوابِ گرانی!
که ایزد مژده عفو و جزا داد
چو گستم رهسپارِ خانه‌ی او
مرا فرمانِ پرهیز از ریا داد
چو بشنیدم من، آیاتی ز تورات
دل و روح و روانم را صفا داد
طنین روح بخش شاخ قوچی
تنم لرزاند و روحم را جلا داد
کنون روز قضا و حکم قاضی است
نماز و روزه، دَردم را شفا داد
چو دل بشکست و احسان‌ها فزون گشت
نوید عمر با عزت به ما داد
هر آن کس، توبه کرد اندر مناجات
خدای آسمان، دردش دوا داد
عزیزان، روز دین است و قضاوت
خدای مهربان، بخشش به ما داد
چو دل جویی نمودیم از غریبان
دل ما را زدرد و غم رها داد

یوم کیپور «روزه بزرگ»

روزِ حُکم و روزِ میزان و ره دین آمدیم
سر فرود آورده و نالان و غمگین آمدیم
دفترِ عدلِ تو باز و داوری‌های تو حق
قلبِ خود، بشکسته و در راهِ آیین آمدیم
در ترازوی عدالت، پرگناه و بی‌ثواب
با زبانِ روزه و پُر درد و بی‌کین آمدیم
این زبان و دست و چشم و گوش، در اوج گناه
ترس و وحشت حکم‌فرما شد، ره دین آمدیم
روز حُکم است و قضاوت، کوله‌بار ما تهی است
ما گدایان در پی تعظیم و تمکین آمدیم
روزه‌ها و توبه‌ها و گریه‌هایم را نگر
با دو چشمِ تر، سوی توراتِ زرین آمدیم
این عبادت‌ها نباشد لایقِ درگاه تو
ریزه‌خوارِ خوانِ حق و بهر تسکین آمدیم
تو بزرگی و عظیمی و کریمی و رحیمی
رو سیاه و شرمسار و زار و غمگین آمدیم.
بارالها! هم پیمبر، خفته و هم آن شبان
حامی‌ام شو، در مناجاتیم و مسکین آمدیم
قادری و مُتعالی و حلیمی و حکیم
با دلی پُر سوز و هم، با اشکِ خونین آمدیم
«آریا» چشم و امیدش سوی الطافِ خداست
ایزد ما مهربان است و به تحسین آمدیم

گرامیداشت هفته نیروی انتظامی

بهادر میکائیل



در آستانه سال نو عبری و به مناسبت گرامیداشت هفته نیروی انتظامی مراسم تقدیر و نکوداشتی در سالن بازسازی شده ابریشمی به همت انجمن کلیمیان تهران در روز دوشنبه ۱۴ مهرماه برگزار گردید.

در این مراسم با شکوه و مجلل، روحانیون و مراجع دینی ارامنه، زرتشتی، آشوری و کلیمی، نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس شورای اسلامی، روسای انجمن‌های ادیان توحیدی و جمعی از فرماندهان و مسئولین عالی‌رتبه نیروی انتظامی، جناب آقای سعید تقوی مسئول اقلیت‌های دینی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و فعالین و مسئولین جامعه کلیمی و مهمانانی از دیگر ادیان حضور داشتند.

پس از نواختن سرود مقدس جمهوری اسلامی ایران، ابتدا به پاس نکوداشت شهدای نیروی انتظامی و اقلیت‌های دینی یک دقیقه سکوت اعلام شد، پس از آن آقای ابراهیم سعیدیان، شاعر ملی یهود، دو قطعه شعر به نام‌های خلیج فارس و نیروی انتظامی را قرائت نمودند. پس از وی دکتر همایون سامیح، ریاست انجمن کلیمیان تهران ضمن تبریک سال نو عبری و یوم کیبور و اعیاد مسلمانان و خوش‌آمدگویی به کلیه مهمانان متذکر شد: کلیمیان تهران و ایران در همه کنیساها و سازمان و ارگان‌های وابسته به انجمن به راحتی به فعالیت می‌پردازند و نیروی انتظامی همواره پشتیبان کلیمیان و سایر اقلیت‌ها می‌باشد که چنین حمایت و چنین امنیتی در سایر کشورها وجود ندارد و این امنیت به خاطر قدرت بی‌نظیر نیروی انتظامی می‌باشد. همچنین وی از زحمات بی‌دریغ مسوولین نیروی انتظامی و رؤسای پایگاه‌های مناطق تهران تشکر و قدردانی کرد.

دکتر سیامک مره‌صدق، نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی، دیگر سخنران این مجلس بود وی در سخنان خود خاطرنشان کرد: نه تنها مردم ایران مدیون زحمات نیروی انتظامی هستند بلکه تمام مردم دنیا مدیون زحمات این نیرو می‌باشند چرا که سالیانه جوانان زیادی از این مرز و بوم در راه مبارزه با مواد مخدر به درجه رفیع شهادت نائل می‌آیند تا مواد مخدر در اروپا و آمریکا هم توزیع نگردد. همچنین با توجه به شرایط خاص و ناآرامی که در کشورهای همسایه ایران وجود دارد نقش پررنگ و حساس نیروی انتظامی بیش از پیش هویدا می‌شود.

وی در پایان سخنان خود، یک بار دیگر متذکر شد در ایران همدلی و دوستی بین مردم و نیروی انتظامی مثال‌زدنی است.

پس از وی جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار به سخنرانی پرداخت وی در سخنان خود به یکدلی و همرنگی ادیان توحیدی به ویژه در ایران که از یک آمیزه الهی منشاء می‌گیرد، پرداخت. وی با اشاره به فصل شانزدهم سفر تثنیه (دواریم) و فصل اول حقوق نبی بیان داشت:

از بزرگ‌ترین وظایف حکومت‌ها برقراری نظم و عدالت در جامعه است و وجود نیروی انتظامی نه تنها بازدارنده هرگونه جرم و جنایت در جوامع می‌باشد بلکه عاملی است تا

مجلس نیروی انتظامی) ۱۷. مهندس علیرضا رویانیان (مدیر کل امور مجلس نیروی انتظامی).

سخنان سردار ساجدی‌نیا، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ پایان بخش این برنامه بود. ایشان ضمن تبریک اعیاد و تقدیر از جامعه کلیمیان اشاره کردند: ما همه ایرانی هستیم و نیروی انتظامی وظیفه دارد برای همه ایرانیان امنیت را برقرار نماید. وی همچنین به بیان گزارشی از عملکرد نیروی انتظامی پرداخت، وی خاطرنشان کرد: تمام سعی و تلاش نیروی انتظامی بر این است تا بهترین خدمت را به جامعه ارائه نماید یکی از این خدمات ارزنده وجود گشتی‌ها در ۳۷۵ محله تهران است و در لحظه در هر محله حداقل یک گشت وجود دارد. وی در ادامه به بحث ۱۹۷ و نحوه ارائه خدمات نیروی انتظامی در این حوزه پرداخت.



در ضمن سخنرانی‌ها، گروه موسیقی به رهبری سپهر عزیزی‌راد به اجرای قطعات جالب و دیدنی پرداخت که مورد توجه حاضرین قرار گرفت.

در پایان مراسم از کلیه میهمانان پذیرایی شام به عمل آمد. ■

افراد صالح و درستکار نیز بیش‌تر به رعایت قانون روی آوردند و نقش نیروی انتظامی بیش‌تر به منزله‌ی بازدارنده می‌باشد. وی در خاتمه سخنانش برای سلامتی رهبر انقلاب و دولتمردان نظام جمهوری اسلامی و فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی دعای مخصوص (میشه پرخ) را قرائت کرد. سعید تقوی، رئیس اسبق اداره امور اقلیت‌های دینی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دیگر سخنران این برنامه بود. وی خطاب به سردار ساجدی‌نیا، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ گفت: این دومین بار است که کلیمیان میزبان این برنامه هستند، به رغم هم‌زمانی با اعیادشان این مراسم را برگزار کرده‌اند وی همچنین ضمن تبریک سال نو عبری از زحمات انجمن کلیمیان و دست‌اندرکاران این برنامه پاسگزاری کرد.

در ادامه مراسم، هدایا و یادبودهایی از طرف انجمن کلیمیان به‌وسیله مراجع و روحانیون به فرماندهان و مسئولین نیروی انتظامی به شرح زیر اهدا گردید:

۱. سردار سرتیپ دوم پاسدار حسین ساجدی نیا (فرمانده محترم نیروی انتظامی تهران بزرگ) ۲. سرهنگ غلامعلی کریمی (جانشین محترم فرماندهی نیروی انتظامی تهران بزرگ) ۳. سرهنگ علیرضا محرابی (رئیس پلیس اطلاعات و امنیت فرماندهی نیروی انتظامی) ۴. سرهنگ عباسعلی محمدیان (رئیس پلیس آگاهی فرماندهی نیروی انتظامی) ۵. سرهنگ محسن خان چرلی (رئیس پلیس پیشگیری فرماندهی انتظامی) ۶. سرهنگ سعید بنی اسد (معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی) ۷. سرهنگ راقی (معاون نظارت بر اماکن عمومی فرماندهی نیروی انتظامی) ۸. سرگرد کاظمی (رئیس بخش اقلیت‌های مذهبی اماکن) ۹. آقای ولی‌زاده (رئیس اماکن تجریش) ۱۰. جناب ایزدی (رئیس اماکن پایگاه دوم) ۱۱. جناب معصوم‌زاده (رئیس اماکن پایگاه سوم) ۱۲. جناب صالحی (رئیس اماکن پایگاه هشتم) ۱۳. سرهنگ حسنی (رئیس پلیس راهور) ۱۴. سرهنگ محمد بخشنده (رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر) ۱۵. سردار خداوند (فرمانده یکان امداد) ۱۶. سردار محمد زارعی (معاون حقوقی و امور



اپیدمی «احساس تکلیف»

پرهام (ادپور)

با این مقدمه، بیاید تحلیل (!) مختصری از تبلیغات این دوره‌ی کاندیداها داشته باشیم. همانطور که شما نیز طعم شیرین آن را چشیده‌اید، تبلیغات این دوره عمدتاً در شکل و فرم پیام‌هایی بود که شب‌هنگام و گاه نصف شب ما را به یاد ادای دین و احساس تکلیف این بزرگان می‌انداخت. با یک دو تا چهارتای ساده از آمار و ارقام اسامی، به این نتیجه می‌رسیم که تعداد کاندیداهای این دوره از تعداد رای‌دهندگان بیشتر بود. گویی اکثریت قریب به اتفاق جامعه احساس تکلیف نموده بودند. اگر خاطرتان باشد حتی در مقطعی زمزمه‌هایی از حضور چهره‌هایی چون «فامیل دور» و «جواد خیابانی» نیز به گوش رسید. در مورد این مجری و گزارشگر محبوب آخری به بخشی از گفتگوی وی با «جواد نیوز» بسنده می‌کنم: «هنوز به جمع‌بندی نرسیده اما اگر سیل درخواست‌ها همین‌طور ادامه پیدا کند، برای پاسخ به علاقه‌ی مردم با همه توان در رقابت حاضر خواهم شد. وی شعار انتخاباتی خود را نیز «مدیریت بدون سوتی» اعلام کرد و

خوشبختانه انتخابات این دوره هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران هم به خیر و خوشی برگزار گردید و کاندیداهای منتخب می‌روند که به درد جامعه برسند...

به نظر من کاندیدا به شخصی گفته می‌شود که به دلیل احساس تکلیف و ادای آن (که جز با در دست گرفتن قدرت میسر نمی‌شود) اعلام کاندیداتوری می‌کند. این فرد احساس تکلیف کرده، توانایی حل مشکلات را فقط در خود و برنامه‌هایش می‌بیند و تمام مشکلات و مشقات را به جان خریده تا مبادا قدرت به دست ناهلان بیفتد. این فرد گاهی عضو ائتلاف‌ها می‌شود تا بعداً از دل نظرسنجی‌ها و امثال‌ذلک بیرون آید و شاید هم به نفع شخص خاصی کنار برود، اما معمولاً به دلیل همان احساس تکلیف (و نه قدرت) به نتیجه‌ای نرسیده و کار را به صورت مستقل پی می‌گیرد.

می‌دهد. هم‌چنین امکان حضور در تالار، پنج دقیقه افزایش می‌یابد.

- با همکاری مدیرکل توسعه مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های مردم نهاد ستاد مبارزه با مواد مخدر انجمن کلیمیان تهران: تالارهای کوروش و کلاه فرنگی بازسازی می‌شوند.

- جرارد پیکه: به همراه همسرش در برنامه عمومی سازمان دانشجویان یهود ایران شرکت می‌کند.

- هملت: در یک انتخابات سالم، پادشاه می‌شود، دولت آشتی ملی راه می‌اندازد. با اوقلیا ازدواج می‌کند و عمویش را معاون اول می‌کند.

- حنا: در مزرعه کار نمی‌کند. با سپاستین ازدواج کرده است و یک پسر سه ساله به اسم «بل» دارد.

- قیصر: برادران آبنگل را می‌بخشد.
- سعید: با لیلی ازدواج می‌کند و دایی جان ناپلئون در عروسی آن‌ها باباکرم می‌رقصد.

- حاج کاظم: در خارج از کشور عباس را درمان می‌کند و به ایران برمی‌گردد.

- سیمین: از رفتن به خارج منصرف می‌شود و سالیان سال با نادر و ترمه به خوبی و خوشی زندگی می‌کند.

- حامد بهداد: وضعیت فیسبوکش را به «این ریلیشن شپ» تغییر می‌دهد.

- شهروند ایرانی-یهودی: بینا را می‌خرد و به دوستانش هم توصیه می‌کند، بخرنند.

- کاترین اشتون: به بسته پیشنهادی ایران جواب مثبت می‌دهد! ■

گفت: اگر در این رقابت ببازیم، چیزی از ارزش‌های ما کم نمی‌شود.»

تبلیغات این دوره عمدتاً در شکل و فرم پیامک‌هایی بود که شب‌هنگام و گاه نصف شب ما را به یاد ادای دین و احساس تکلیف این بزرگان می‌انداخت. با یک دو دو تا چهارتای ساده از آمار و ارقام اسامی، به این نتیجه می‌رسیم که تعداد کاندیداهای این دوره از تعداد رای‌دهندگان بیشتر بود

با این اوصاف اگر بنا را به تحقق حتی نیمی از وعده‌های انتخاباتی کاندیداهای راه‌یافته به انجمن بگذاریم، می‌توان آینده‌ای بسیار بسیار درخشان را برای جامعه‌ی ایرانیان کلیمی متصور شویم. بنابراین گرافه‌گویی نیست اگر بگوییم از هم‌اکنون باید انتظار شنیدن اخبار مسرت بخش زیر را داشته باشید:

- لئونارد کوهن: در Jewish center کنسرت برگزار می‌کند.

- کلیمیان متولد دهه پنجاه: هری پاتر می‌خوانند، «کانتر» بازی می‌کنند و «جاستین بیبر» گوش می‌دهند.

- کلیمیان متولد دهه شصت: «تاریخ تمدن» ویل دورانت می‌خوانند، «آگران‌دیسمان» آنتونیو نمی‌بینند و به کنسرت «لئونارد کوهن» می‌روند.

- کلیمیان متولد دهه هفتاد: به تحصیل روی آورده و درس می‌خوانند.

- مدیریت تالار خراسانیها: هزینه‌ی یک شب برگزاری مراسم را به زیباسازی تالار اختصاص



تله پاتی و آخرین فن آوری

فرینوش لازار

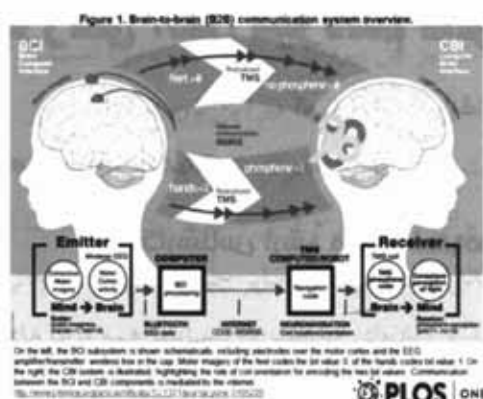
اصولا در هنگام احساس خطر و یا هر ناراحتی دیگر، اعصاب «سمپاتیک» انسان با تولید «آدرنالین» بدن را تحریک می‌کند، در این حالت زمینه لازم برای «فرستندگی» و در واقع فرستادن پیام در شخص به وجود می‌آید و او می‌تواند افکار خود را سریع‌تر و قوی‌تر منتشر کند. در حالت عکس این مسئله، اعصاب «پاراسمپاتیک» با تولید «استیل کولین» موجب رخوت و سستی بدن می‌شود و استعداد «گیرندگی» امواج «تله پاتی» را در شخص تقویت می‌شود.

با توجه به مطالعات متعدد انجام شده در این زمینه مشخص شده است که بسیاری از زنان به علت احساسات و هیجانات، گیرنده ارتباط افکار با یکدیگر هستند. البته تله پاتی با عوامل بیولوژیکی نیز مرتبط است، علم ثابت کرده زمانی که تله پاتی اتفاق می‌افتد میزان حجم خون فرد ارسال کننده سیگنال، تغییر می‌کند همچنین امواج مغز گیرنده برای مطابقت با فرستنده نیز تغییر می‌کند.

یک واقعیت جالب درباره تله پاتی در طی ماموریت آپولو ۱۴ در سال ۱۹۷۱ اتفاق افتاده است، طی یک آزمایش به اثبات رسیده است که «فاصله» یک مانع برای ارتباط افکار با یکدیگر نیست. هر چند که این آزمایش توسط سازمان ملی هوانوردی و فضا آمریکا (ناسا) معتبر شناخته نشده است. حتی اطلاعات مربوط به این آزمایش تا زمانی که ماموریت آن به پایان رسید نیز اعلام نشد. این آزمایش توسط فضانورد میچل ادگار با چهار دریافت کننده بر روی زمین در فاصله ۲۴۰۰۰۰ کیلومتری انجام شد. میچل با گیرنده‌اش در زمین با تمرکز در توالی بیست عدد تصادفی

تله پاتی را می‌توان پدیده‌ای ذهنی تعریف کرد که از ارتباط مستقیم میان ذهن با ذهن رخ می‌دهد. این کلمه که از دو لفظ یونانی مشتق شده یکی تله Tele به معنی دور و دیگری پاتوس Pathos به معنی احساس می‌باشد. این پدیده شامل دو بخش می‌شود. یکی انتقال فکر و احساس به قصد اشخاص دیگر و دیگری دریافت افکار و احساس دیگران که آن را فرایابی می‌نامیم. تله پاتی برای اولین بار توسط محقق فرانسوی «فردریک» در سال ۱۸۸۲ بیان شد، وی همچنین از بنیانگذاران انجمن تحقیقات روانی در دنیا بوده است.

«تله پاتی» دسترسی به اطلاعاتی است که در فکر شخص دیگری نگهداری می‌شود و شما خواهان کسب آن هستید، دانشمندان برای اثبات این پدیده می‌گویند: وقتی این امکان وجود دارد که از طریق یک ایستگاه فرستنده مطالبی را از امواج الکتریکی، از ایستگاه الکتریکی دیگری جذب کنیم. بنابراین با توجه به فعالیت‌های الکتریکی مغز انسان، امکان تبادل اطلاعات از راه دور، از طریق «تله پاتی» و به صورت مشابه دستگاه‌های فرستنده گیرنده الکتریکی فراهم می‌شود. برای انجام پدیده‌های «تله پاتی» مغز باید در حالتی قرار داشته باشد که وضعیت آن بیشترین میزان امواج «آلفا» را ایجاد و منتشر کند. امواج «آلفا» معمولاً در شرایطی به وجود می‌آید که فرد در حالت مدیتیشن یا ریلکس کامل قرار گرفته باشد. پس درمی‌یابیم که کلید اصلی «تله پاتی» چیزی نیست جز «ریلکس» شدن کامل.



این پیام به شکل فلاش‌های نور در گوشه بینایی آنها ظاهر شد. این نور به شکل توالی‌هایی ظاهر شد که به دریافت کننده اجازه رمزگشایی اطلاعات درون پیام را می‌دهد.

محققان سپس یک آزمایش مشابه انجام دادند که در آن تفکرات با موفقیت بین دو شرکت‌کننده در اسپانیا و فرانسه منتقل شد. نرخ اشتباه آزمایش دوم تنها ۱۵ درصد بود که پنج درصد آن در بخش کدگذاری و حدود ۱۱ درصد در بخش رمزگشایی اتفاق افتاد.

این فناوری به عنوان بخشی از مشارکت میان دانشگاه بارسلونا در اسپانیا، موسسه رباتیک آکسیلیوم در فرانسه، دانشکده پزشکی هاروارد و آزمایشگاه Starlab بارسلونا در اسپانیا تولید شده است.

به گفته محققان، این اولین بار است که انسان‌ها پیامی را تقریباً به طور مستقیم برای مغز یکدیگر ارسال می‌کنند. فناوری انسان به انسان اخیراً جذابیت پیدا کرده است. در ماه مه، دانشمندان آلمانی نشان دادند که هفت خلبان از کنترل ذهنی برای پرواز بسیار دقیق استفاده کردند. در یک شبیه‌سازی، چندین خلبان سعی کردند هواپیما را در شرایط دید ضعیف فرود بیاورند که در آن فرد می‌توانست در چند متری خط دفاعی باند فرود بیاید.

همچنین در ماه ژوئن، محققان دانشگاه اورگان از دستگاهی رونمایی کردند که می‌تواند در زمان وقوع بر خطرات نظارت داشته و تفکر فرد را مشاهده کند. ■

در بین ۲۰۰ توالی هر دو به درستی حدس زده بودند که عدد ۵۱ مورد نظر بوده است.

امروزه دستگاه‌های شناسایی امواج مغزی برای کنترل تله‌پاتیک همه چیز از بالگردهای واقعی گرفته تا شخصیت‌های بازی‌های رایانه‌ای استفاده می‌شوند، اما اکنون این فناوری پا را فراتر نهاده و به فردی در هند اجازه ارسال ایمیل به همکارش در فرانسه را تنها با استفاده از قدرت ذهنش داده است.



محققان از همدست‌های الکتروانسفالوگرافی برای ضبط فعالیت الکتریکی نورون‌های شلیک شده در مغز استفاده کردند و لغات سلام به زبان‌های اسپانیایی و ایتالیایی را به دودویی تبدیل کردند.

در الکتروانسفالوگرافی، جریان‌های الکتریکی در مغز با تفکرات مختلف مرتبط بوده و سپس به یک رابط رایانه‌ای مرتبط می‌شوند. این رایانه به بررسی سیگنال و کنترل یک فعالیت می‌پردازد.

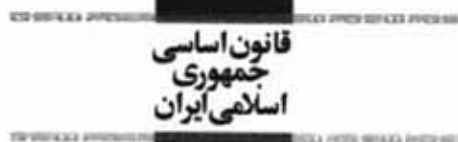
در جدیدترین پژوهش که در مجله Plos One منتشر شده است، دانشمندان تصمیم گرفتند که رابط رایانه‌ای را با یک مغز دیگر برای دریافت سیگنال‌ها عوض کنند.

در آزمایش ابتدایی، واژه سلام از یک داوطلب هندی در تریواندروم به استراسبورگ فرانسه ارسال شد. در آنجا یک رایانه به ترجمه پیام پرداخته و سپس از تحریک الکتریکی در بافت موجود در مغز دریافت‌کننده استفاده کرد.

بررسی اصل سیزدهم قانون اساسی

امیر فراز نعیموت

«کارشناس ارشد حقوق خصوصی»



اصل سیزدهم قانون اساسی

اقلیت‌ها به چند دسته از جمله زبانی، دینی، قومی و ... تقسیم می‌شوند...

در کشور عزیز ما تصریح اصل سیزده قانون اساسی مبین اصلی شناخت حقوق اقلیت‌های مذهبی است...! **اصل سیزدهم:** ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

مردم‌سالاری دینی آن چیز است که قانون‌گذار ایران طبق آموزه‌های دین مبین اسلام برای تدوین این چنین قوانینی مد نظر قرار داده است...

و آن چه در متن این اصل و مواردی شبیه این متبلور می‌شود انعکاس خواست همه ملت ایران و آرمان‌های سیاسی والا در تامین حقوق همه اقشار جامعه و اتحاد و یکپارچگی و میل به مساوات و برابری نزد مردم از دیرباز هم نوع دوست ایران است...

علاوه بر الهام‌گیری از نص صریح آیات قرآنی، بدیهی‌ست قلم قانونگذار بی‌تاثیر از اسناد و منابع حقوق بشر و قوانین اساسی سایر سیستم‌های حقوقی در این زمینه نبوده است...

و از این حیث ایران با سایر کشورهای پیشرفته و دموکرات و مجامع بین‌المللی همگام است.

وجود اقلیت‌های قومی، زبانی، نژادی و دینی با گرایش‌های مختلف ناشی از فرهنگ و تمدن متفاوت، موجبات تنوع فرهنگی و اجتماعی هر کشوری را فراهم می‌آورد. اهمیت این امر در جهان کنونی که رقابت کشورها برای کسب جایگاه مطلوب در عرصه بین‌المللی و تحصیل درآمد مرتبط با سنت جهانگردی بسیار شدید گردیده، به شکل مضاعف ظاهر می‌شود...! (مجله تعالی حقوق / شماره ۱۳ و ۱۴)

همچنین یکی از عناصر اساسی برای بررسی وضعیت حقوق بشر در یک کشور، شرایط حقوق مربوط به اقلیت‌ها در آن جامعه و نهاد اجتماعی است... یکی از غنی‌ترین منابع که می‌تواند ضامن شناخت و تامین این حقوق و منافع باشد تصریح آن به عنوان یک اصل در قانون اساسی به عنوان اصلی‌ترین منبع حقوق در هر کشور است.

اقلیت در لغت به معنای «کم بودن» «قسمت کمتر» و در اصطلاح، گروهی از افراد یک کشور یا یک شهر می‌باشند که از لحاظ دین و مذهب یا نژاد از اکثریت متمایز باشند... (معین ۱۳۸۲، ج ۱، ۲۳۶)

در ادبیات حقوق، اقلیت به اجتماعی از شهروندان اطلاق می‌شود که به واسطه داشتن ویژگی‌های خاص، از گروه اکثریت متمایز باشند...

قلمرو این کشور بستر کامل برای ایجاد یک فضای الهی و مسالمت‌آمیز بین پیروان ادیان توحیدی مهیا است!!

همانطور که امام (ره) در این باره فرمودند:

اقلیت‌های مذهبی حقوقشان رعایت می‌شود. اسلام به آنها، برای آنها احترام قائل هست، برای همه اقشار احترام قائل است. کردها و سایر چیزها، سایر دسته‌جاتی که هستند و زبان‌های مختلف دارند، اینها همه برادرهای ما هستند و ما با آنها هستیم و آنها با ما هستند و همه اهل یک ملت و اهل یک مذهب هستیم و من امیدوارم که در بعضی جاهای مختلفی که در ایران بعضی عناصر مفسده‌جو رفتند و آنجا تبلیغات سوء می‌کنند و مردم بیچاره را وادار می‌کنند به این که شلوغ کنند و برادرکشی کنند، خود مردم بیدار بشوند و نگذارند این خائنین این کارها را آن جا بکنند. ما همه برادر هستیم. ما با اهل سنت برادر هستیم و ما نباید ... آقایی کنیم، نباید حقوق بعضی‌ها را ملاحظه نکنیم. ما در حقوق علی السواء هستیم و قانون هم که ان شاءالله بعد به تصویب ملت می‌خواهد برسد، در قانون هم همه اقشار حقوقشان ملاحظه شده است و اقلیت‌های مذهبی، نسون، دیگر اقشار همه حقوقشان ملاحظه شده است و هیچ فرقی مابین گروه و گروهی در اسلام نیست.»

امید نیز چنین است با همدلی و همبستگی و تعامل در جهت تعالی جامعه کوشا باشیم و همه اقشار جامعه یکدل و یکصدا از آرمان‌های انقلاب و امام راحل حراست کنیم!...

باشد که جامعه یهودیان ایران نیز نقش کوچکی در سعادت ایران عزیز ایفا کند همان طور که همواره این گونه بوده است!...

طبق این اصل اقلیت‌های زرتشتی، کلیمی، و مسیحی تنها اقلیت‌های به رسمیت شناخت شده هستند... که هر یک علاوه بر آزادی در احوال شخصی و برگزاری مراسم و آموزه‌های دینی و سایر آزادی‌های مشروع، طبق تجویز قانون حق برخورداری از حضور نماینده در مجلس شورای اسلامی را دارند...

احوال شخصی مجموعه‌ای از اوصاف مربوط به شخصیت انسان، صرف‌نظر از شغل و مقام او در اجتماع، است. اوصافی احوال شخصی را تشکیل می‌دهند که قابل تقویم و مبادله به پول نباشند و از حیث حقوق مدنی آثاری بر آنها تعلق گیرد. همچون ازدواج، طلاق و نسب....

احوال شخصی از وضعیت و اهلیت تشکیل می‌شود. وضعیت شامل اوصافی است که تکالیفی برای انسان ایجاد می‌کند مانند سن، جنس، ملیت و تجرد یا تأهل. اهلیت نیز توانائی شخص برای دارا شدن یا اجرای حق گفته می‌شود. اهلیت با وضعیت در ارتباط است و معمولاً از آن سرچشمه می‌گیرد؛ مثلاً صغیر ممکن است حق ازدواج یا طلاق را نداشته باشد یا اتباع کشورهای خارجی حق برخی از فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی را نداشته باشند.

بنابراین طبق این اصل اقلیت‌های مذکور در مواردی همچون انتخاب همسر، ازدواج، انتخاب اسم، انتخاب محل سکونت، مراسم مذهبی و تابع قوانین و موازین شرعی خود خواهند بود.

همان‌طور که می‌دانیم ایران از دیرباز سرزمین ادیان توحیدی و مردمان خداپرست بوده و رفتار حکومت اسلامی کشور ایران ثابت کننده این ادعاست که در



ایمان واقعی،

آنچه همگان به تقویت آن نیازمندیم

دکتر رامین لاله‌پور

بود، مشقات زندگی کمرها را خم نمی‌کرد و خبر از بسیاری از بیماری‌ها نبود. با همه مشکلات لب‌ها بیشتر خندان بود و حتی گله و شکایت از زندگی، از دوران ما کمتر بود. در یک کلام، در گذر زمان همه چیز به دست آورده‌ایم اما ظاهراً یک چیز گرانبها را در گذشته‌ی خود جا گذاشته‌ایم. آن چیست که امروزه تکنولوژی را به خیال خود جایگزین آن کرده‌ایم و به شدت به تقویت آن محتاجیم؟

ایمان

گذشتگان، انسان‌هایی با ایمان بودند که با این سلاح قوی به جنگ بسیاری از مشکلات می‌رفتند. صبر و تحمل آنها بیش از ما بود و ما امروز به کمبودی مهم در زندگی‌مان مبتلا شده‌ایم.

کمبود ایمان و اعتقاد درونی

این عامل اساسی که اکنون بیش از گذشته به تقویت آن محتاجیم با هیچ وسیله‌ی امروزی قابل جبران نیست. آن را نمی‌توان با هیچ کتاب علمی یا برنامه‌ی تلویزیونی و ماهواره‌ای یا مجله‌های رنگارنگ

در دنیای متلاطم امروز، آن جایی که بشر بر تمام ارکان هستی احساس تسلط و قدرت دارد و خود را برترین موجود کره‌ی زمین از نظر عقل و تدبیر می‌شمارد، متأسفانه در برابر بسیاری مشکلات که منشاء آن در خود اوست به شدت احساس ضعف می‌کند و گاه حتی آن را لاینحل می‌شمارد. با وجود آن که توقع می‌رود با پیشرفت علم و تکنولوژی بشر زندگی راحت‌تر و بی‌دغدغه‌تری را تجربه کند عملاً دیده می‌شود مغزها خسته‌تر، انسان‌ها بی‌حوصله‌تر و بیش از نسل‌های گذشته درگیر مسائل روزمره زندگی شده‌اند بسیاری از بیماری‌های عصبی، روحی و روانی در دوره‌ی ما، برای اجداد ما اصلاً شناخته شده نبوده‌اند در حالی که آنها زندگی بسیار سخت‌تری از ما را تجربه می‌کردند:

آنها آب تصفیه شده و لوله‌کشی نداشتند. شستن لباس با دست در سرمای زمستان مصیبتی عظیم بود و جارو کردن خانه برای خودش عذابی الیم. دوخت و دوز لباس‌ها هم بماند که چه صبر و حوصله‌ای می‌طلبید. اما هر چه بود فکرها و اعصاب راحت‌تر

تقویت نمود. چه بسا در سایر این وسایل آن چه داریم را هم به راحتی از دست می‌دهیم و خود متوجه آن نیستیم.

ایمان واقعی، پذیرفتن قدرت نظارت خداوند بر جزء جزء ارکان زندگی و وارد کردن این اعتقاد در عمل می‌باشد. به بیانی دیگر این اعتقاد باید جزیی از زندگی و وارد کردن این اعتقاد در عمل باشد. این اعتقاد باید جزیی از زندگی روزمره همه ما باشد نه آن که تنها در مغز ما جا گرفته باشد.

در تمام اجزای تعالیم مذهبی ما بر چنین اعتقادی تکیه شده است. بر به یاد آوردن خروج از مصر در تمام ایام هفته گرفته تا شب‌ها و مواعید و به طور کلی در تمام مراسم مذهبی تأکید شده است. به چه دلیل؟ چون خروج از مصر یادآور نظارت خاص خالق بر تمام صحنه گیتی و وقایع روزگار می‌باشد. یعنی او در برهه‌ای از زمان، نظم نظام آفرینش را برای نشان دادن قدرت خود بر طبیعت و موجودات آن برهم می‌زند تا این قدرت عظیم را به جهانیان نشان دهد که در خروج از مصر نمونه بارز این موضوع مشاهده می‌گردد.

همانطور که اشاره کردیم این موضوع زمانی اهمیت دارد که همگی ما این اعتقاد را به طور عملی وارد زندگی خود کرده باشیم و در آزمایشات مختلف در این زمینه سرافراز بیرون آمده باشیم. حکایت می‌کنند در زمان بعل شم طوو گروهی وجود داشتند که عقاید ایشان را نمی‌پذیرفتند (البته آنها نیز انسان‌های مقدس بودند و صحبت صرفاً در مورد اختلاف سلیقه است) یکی از پیروان بعل شم طوو

مدتی برای ارتقای سطح مذهبی خود به جای دوری می‌رود، پس از بازگشت فردی از گروه مقابل از او می‌پرسد: در این مدت چه آموختی؟ او پاسخ می‌دهد یاد گرفتم که خدایی هست. او با تعجب گفت: این که نیاز به قبول این همه مشقت نداشت. نوکر من هم این موضوع را بلد است و او را صدا زده و می‌پرسد قبول داری خدایی هست؟ و فوراً جواب مثبت می‌شنود. شخص مقابل به او گفت: البته نوکر تو هم بلد است که خدایی هست اما چه بسا این موضوع هنوز جزیی از زندگی او نشده است. من یاد گرفتم خدایی هست و این را وارد زندگی خودم در تمام اجزای آن کردم. این مسأله است که نیاز به تمرین و ممارست دارد.

همه ما در طول زندگی خود بارها و بارها در مورد این موضوع تحت آزمایش قرار می‌گیریم. برخورد روزمره ما در برابر مشکلات حاکی از قبول عملی این موضوع یا برعکس آن می‌باشد. به عنوان نمونه: انسانی عصبانی مزاج که هنوز بر این خصلت خود کار نکرده است در واقع با هر بار عصبانیت خود با این بنای اعتقادی در حال جنگ است چرا که او ثابت می‌کند همه مشکل را در طرف مقابل می‌بیند که او را عصبانی می‌کند. او در واقع اعتقاد ندارد که عامل ایجاد عصبانیت خود وسیله‌ای در دست خدا برای محک زدن ایمان او می‌باشد و متأسفانه تمام مشکل را در ممنوع خود مشاهده می‌کنند و نه در اراده‌ی خالق خود، پس او کمبود ایمان دارد. برعکس هر بار کنترل عصبانیت سرافرازی در قبول این پایه اعتقادی می‌باشد. پس بی‌دلیل نیست که عصبانیت را معادل

این مرتبه اعلاى ايمان خواهد رسيد. پس هر انسانى موظف به تقويت اين پاىگاه عظيم يعنى ايمان در زندگى خود مى‌باشد تا آمدن منجى بشریت را تسريع بخشد.

از جمله اثرات مثبت، خاص و قابل احساس تقويت ايمان آرامش و شادى در زندگى افراد است که با هيچ قول و وعده‌ى مادى قابل کسب نيست. چرا که همگى آنها وعده‌هاى گذرا و زودگذر هستند و هيچ پايدارى ندارند.

لحظه‌اى آرامش و شادى

پس از آن دنيايى اضطراب و پریشانى

چون بسيارى از انسان‌ها نمى‌دانند آرامش و شادى واقعى تنها در سايه ايمانى قوى بر آنها مستولى مى‌شود و پايدار مى‌ماند اينجاست که مشکلات زندگى بيشتر قابل تحمل و اثرات تخریبى آنها بر زندگى احساس خواهد شد.

و بالاخره ايمان واقعى هر کدام از ما را به گفتگوى خالصانه با خالقمان هدايت مى‌کند آن چه که آن را تفيلا مى‌ناميم و نهايت آرامش را در نزديکى به خدا و راز و نیاز خالصانه با او نشان مى‌دهد. آن وقت به يک نکته مهم اذعان مى‌کنيم: «برای گذر از تمام مشکلات زمانه يارى نزديک‌تر از خداى متعال و دوستى صميمى‌تر از او آفريدگارى صبورتر از خالق ما در هيچ جاى پهنه هستى نخواهيم يافت و با اين سنگ بناى اعتقادى خود با افتخار زندگى خواهيم کرد».

بت‌پرستى دانسته‌اند، چرا که فرد اراده‌ى يک انسان را جاىگزين ايمان به اراده‌ى الهى کرده است.

اينجاست که متوجه مى‌شويم بسيارى از مشکلات دنياى امروز که به آن اشاره کرديم، دنيايى که پُر تنش و عصبى به نظر مى‌آيد، دنيايى که همه در آن شتابان و تحت فشار هستند، دنيايى که در هر مکانى از آن درگيرى و نزاع ديده مى‌شود همه و همه به خاطر کمبود ايمان است. چون اگر افراد اين دنيا ايمان داشتند همگى آرام و شاد بودند و همه چيز با آرامش طى مى‌شد. همه مى‌دانستند زندگى آنها با نظر و اراده خدا هدايت مى‌شود و ديگر جايى براى اعمال منفى در آنها وجود نداشت و همه جا صلح و شادى حکم‌فرما مى‌باشد بسيارى از بيمارى‌ها ديگر وجود نمى‌داشت و از تکنولوژى و فن‌آورى براى بهبود زندگى انسان‌ها استفاده بهينه مى‌شد. ديگر جنگى بين ملت‌ها نبود، چرا که هر ملتى به قسمت خود راضى بوده و نظارت خدا را بر خودش با محبت قبول مى‌کرد و آن وقت برعکس با ملت ديگر با احسان و کمک متقابل رفتار مى‌کرد. در آن صورت ناخودآگاه به ياد کلامات مقدس يشعيا هناوى مى‌افتيم که مى‌فرمايد: «گرگ با بره مسکن خواهد گرفت و پلنگ با بزغاله مى‌خوابد و ديگر بدى و تباهى در تمام کوه مقدس من انجام نخواهد گرفت. زيرا زمين از دانش خدا مانند آب که درياها را مى‌پوشاند، پر خواهد شد». يعنى با پر شدن زمين از دانش الهى که همان ايمان به اوست صلح عظيمى در دنيا برقرار خواهد شد. که اين همان اشاره به زمان آمدن ماشيح است که به اعتقاد ما دنيا با برداشته شدن پرده‌ها از چشم، به



حضور جامعه کلیمیان در راهپیمایی روز قدس

دکتر سلیمان کهن صدق

جهانی، در پشت پرده دین و با سواستفاده از آرمان‌های مقدس دین یهود، اقدام به رفتارهایی می‌نمایند که با اساسی‌ترین قوانین اخلاقی و الهی شریعت حضرت موسی کلیم‌اله و سایر ادیان توحیدی تناقض دارد. همچنین ایشان با محکوم نمودن حملات رژیم صهیونیستی به بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی و درمانی در غزه، بیان نمود:

بیمارستان خیریه دکتر سپیر آمادگی خود را برای پذیرش و درمان مجروحان فلسطینی و نیز ارسال خدمات پزشکی بهداشتی و دارویی به مردم مظلوم غزه اعلام می‌نماید.



سپس آقای ابراهیم سعیدیان (آریا) ریاست کانون فرهنگی هنری کلیمیان تهران، استاد سخن و شاعر نامی یهود ایران در اشاره به حوادث اخیر، با بیانی شیوا و پراحساس، قطعه شعری زیبا بدین مضمون سرودند:

آریا بر لوح افکارش نوشت

جنگ ممنوع است و کشتن کار زشت

دوست باید داشت هموعان خویش

تا زهانی از پلیدی، جان خویش

جامعه کلیمیان تهران، همگام و همراه با ملت ایران، بار دیگر با شرکت در راهپیمایی روز قدس، رفتارهای غیر انسانی و حملات رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه را محکوم نمودند. در این راهپیمایی، ده‌ها تن از فعالان جامعه کلیمی، متشکل از هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران، هیئت مدیره بیمارستان دکتر سپیر، مسئولین سازمان‌های جوانان، نهادهای فرهنگی، سازمان بانوان و کانون فرهنگی هنری و سایر ارگان‌های وابسته، صبح روز جمعه ۳ مرداد ماه ۹۳ از محل کنیسی ابریشمی واقع در خیابان فلسطین به طرف دانشگاه تهران حرکت نمودند و جوانان کلیمی با حمل پلاکاردی ضمن اعلام همبستگی با ملت ایران در دفاع از مردم مظلوم غزه، جنایات رژیم صهیونیستی را محکوم نمودند. حضور خبرنگاران و مصاحبه با چند تن از مسئولین جامعه و افراد مختلف، پررنگ‌تر از سال‌های گذشته بود که بسیار مورد توجه عموم قرار گرفت.

در طی مسیر، ریاست انجمن کلیمیان، ریاست هیئت مدیره بیمارستان دکتر سپیر و ریاست کانون فرهنگی هنری کلیمیان به جایگاه پخش زنده شبکه ۳ سیما در تقاطع وصال - طالقانی دعوت شدند. سپس دکتر همایون سامیح، ضمن محکومیت جنایات ارتش اسرائیل در یک جنگ نابرابر علیه غیرنظامیان مظلوم در غزه، خواستار شکستن سکوت توسط مجامع جهانی و مدعیان حقوق بشر شد.

در ادامه دکتر سلیمان کهن صدق با اشاره به سخنان طلایی حضرت امام (ره) مبنی بر جدایی جامعه یهود از صهیونیست، یادآوری نمودند: صهیونیست یک حزب سیاسی است که هیچگونه ارتباطی با یهودیت و دین یهود ندارد و متأسفانه صهیونیست‌ها جهت رسیدن به مقاصد شوم اسکتبار



تأثیر نمادهای عشق

مژده یمینیان

پکتین موجود در سیب برای کنترل اسهال و یا رفع یبوست، مفید می‌باشد. پکتین، مقدار زیادی آب از معده و روده جذب کرده و مدفوع را به حالت نیمه سفت تبدیل می‌کند، در عین حال پکتین می‌تواند از سخت و سفت شدن مدفوع جلوگیری کرده و باعث رفع یبوست می‌شود. برای برطرف نمودن یبوست، بهتر است، سیب را با پوست مصرف نمود تا مقداری فیبر توسط پوست آن به بدن برسد و بتواند به عنوان ضد یبوست عمل کند.

سیب برای کاهش فشار خون نیز مفید است، برخی از تحقیقات علمی نشان می‌دهد حتی بوییدن این میوه نیز کاهش‌دهنده فشار خون بوده و باعث آرامش می‌شود.

به دلیل وجود قند طبیعی در سیب، مصرف آن باعث افزایش سریع قند خون نمی‌شود، بنابراین برای افراد مبتلا به دیابت و یا سایر اشخاصی که باید از سرعت افزایش قند خون بکاهند، بسیار مفید و مؤثر می‌باشد.

ماده ضد میکروبی موجود در سیب بر انواع میکروارگانیسم‌های گرم مثبت و گرم منفی مؤثر است و از این نظر عصاره سیب دارای خاصیت ضد میکروبی است. سیب دارای خاصیت ضد سرطانی، کاهش دهنده اسید اوریک، رفع کننده گرفتگی صدا، جلوگیری کننده از تصلب شرائین و ... می‌باشد و مصرف یک عدد سیب در روز در حفظ سلامتی به انسان کمک می‌کند، البته باید این نکته را مد نظر قرار داد که دانه‌های سیب، حاوی سیانید بوده و مصرف زیاد آن ایجاد مسمومیت می‌کند.

عسل

به طور کلی یک ترکیب محلول در آب بسیار غلیظ قندی است. مهمترین قندهای عسل، فروکتوز، گلوکز و ساکاروز می‌باشند. عسل به لحاظ داشتن برخی مواد تخمیری، در تبادلات غذایی و کمک به هضم غذا، بالاترین مرتبه را در میان غذاها دارد، همچنین تعدادی از ویتامین‌ها و مواد معدنی مختلف هم در عسل وجود دارند. عسل دارای انواع اسیدهای آمینه، اسیدهای آلی مثل اسیدفرمیک و مشتقات کلروفیل و مقداری آنزیم و رایحه‌های معطر است.

باز هم در کنار یکدیگر می‌نشینند

قرمز، نارنجی، سبز...

بر روی بومی سفید، به پاکی قلب‌هایی که هنوز زنگار نگرفته‌اند.

باز هم دور هم جمع می‌شوند تا یادآور عشق شوند، عشقی بدون چشم داشت.

عشقی که در آن عاشق، از همه چیز خود در راه معشوقش می‌گذرد و جز معشوق به چیزی نمی‌اندیشد. عشقی که در آن عاشق، عزیزترین محبوب خود، فرزند خود را در راه معبود قربانی می‌کند.

باز هم کنار یکدیگر می‌نشینیم تا با انجام مراسم روش هشانا، به استقبال سال نو برویم با امید آن که در سال جدید با قلبی سفید و دور از کینه، همراه با امید به دنبال خوبی‌ها برویم و از بدی‌ها دور باشیم. و اینک انار، کدو، تره و ...

روش هشانا بهانه‌ای شد تا بدین‌وسیله به گردآوری پاره‌ای از خواص موادی بپردازم که در شب روش هشانا مصرف می‌کنیم. ما یهودیان در شب سال نو سیب و عسل را به امید داشتن سالی نیکو و شیرین مصرف می‌کنیم و اما ببینیم که سیب و عسل هر کدام چه خواصی دارند.

سیب

این میوه خوش عطر و طعم، حاوی مقدار زیادی پتاسیم، سدیم، کلسیم، برم و فسفر و همچنین ویتامین B و پیش‌ساز ویتامین A می‌باشد. ویتامین‌های موجود در سیب، بیشتر در پوست سیب و زیر پوست آن قرار دارند، بنابراین افرادی که می‌توانند پوست سیب را هضم کنند، بهتر است که آن را با پوست بخورند، آزمایشات علمی نشان می‌دهد که سیب به علت داشتن ماده‌ای به نام پکتین، باعث کاهش کلسترول مضر خون می‌شود، البته این خاصیت سیب تنها به دلیل پکتین نیست و در واقع پکتین همراه با سایر مواد مؤثر در آن، باعث کاهش کلسترول می‌شود. همچنین

تره

تره را به منظور نابودی همه دشمنان مکتب توحید مصرف می‌کنیم. تره از خانواده پیاز بوده و از نظر خواص غذا و درمان شبیه سیر و پیاز است، ولی طعم و بوی آن ملایم‌تر از آنهاست. تره سرشار از ویتامین C و املاح معدنی مثل کلسیم و آهن می‌باشد. همچنین دارای مقداری منیزیم می‌باشد، به همین جهت از سرطان جلوگیری می‌کند.

مصرف سوپ یا شربت تره برای معالجه تمام بیماری‌های حاد و مزمن دستگاه تنفس اثر شفا بخش دارد مثلاً در گریپ، گلودرد، گرفتگی صدا و سیاه سرفه مفید بوده و اثر خلط آور دارد و در این موارد اضافه کردن کمی عسل به آب تره، آن را سودمندتر می‌کند. تره از سبزی‌های مدر بوده و برای دفع سنگ کلیه و تسکین قولنج مناسب است. انواع تره، فشار خون را پایین می‌آورد و خوردن آن برای معالجه تمامی عفونت‌ها مفید است. تره به دلیل داشتن سلولز، نفخ‌آور است، لذا برای اشخاصی که مبتلا به اختلالات روده هستند چندان خوب نیست و زیاده‌روی در خوردن آن باعث تاریکی چشم و فساد لثه خواهد شد.

کدو

کدو را مصرف می‌کنیم تا اگر از درگاه پروردگار تقدیر بدی برای ما صادر شده خداوند ما را مورد عفو خود قرار دهد و آن تقدیر بد را باطل فرماید. کدو از هر نوعی که باشد، خواص بسیار زیادی دارد، در زیر پوست کلفت و نارنجی رنگ کدو تنبل، دنیایی از خاصیت وجود دارد که سلامتی را تضمین می‌کند، کدو تنبل منبع فوق‌العاده‌ای از بتاکاروتن است که برای سلامت چشم‌ها و پروستات مفید می‌باشد و به کاهش خطر سرطان کمک می‌کند. کاروتنوئید موجود در کدو تنبل تقریباً به اندازه‌ی هویج می‌باشد. این ترکیبات آنتی اکسیدانی، برای مقابله با سرطان و بیماری‌های قلبی - عروقی بسیار مفید می‌باشد.

کدو همچنین منبع ویتامین E و ویتامین C می‌باشد که دارای خاصیت آنتی اکسیدانی هستند و از بروز سرماخوردگی جلوگیری می‌کنند. از دیگر ویتامین‌های موجود در کدو تنبل می‌توان به ویتامین‌های گروه B، همچنین املاح معدنی مثل مس، کلسیم، پتاسیم و فسفر اشاره کرد.

دانه‌های کدو بهترین منبع فیبر و اسیدهای چرب اشباع نشده هستند که برای قلب مفید می‌باشند. تخم‌های کدو تنبل تأثیر زیادی در کاهش التهاب مفاصل دارند و در واقع اثر آن را با داروهای ضدالتهابی غیراستروئیدی و ایندومتاسین مقایسه می‌کنند،

البته با یک تفاوت مهم که این تخم‌ها در مقایسه با ایندومتاسین هیچ نوع عوارض و مضراتی ندارند، یعنی باعث افزایش چربی‌های بد خون نمی‌شوند. (البته نباید در مصرف آن افراط کرد) همین‌طور کدو سبز نیز به دلیل داشتن فولات، ویتامین C، بتاکاروتن از بیماری‌های قلبی - عروقی و تصلب شرایین پیشگیری می‌کند و خطر حمله قلبی و مغزی را با کاهش فشارخون بالا کاهش می‌دهد و همچنین مدر و ملین می‌باشد.

از جمله مواد مغذی دیگر در کدو سبز می‌توان به منیزیم، پتاسیم، مس، آهن، روی، کلسیم، فسفر، فیبر، ویتامین K و برخی ویتامین‌های گروه B اشاره کرد و بهترین شیوه پخت آن، جهت حفظ مواد مغذی موجود در آن بخارپز می‌باشد.

لوبیا

لوبیا را در شب روش‌هشانا به منظور افزایش اعمال نیکمان مصرف می‌کنیم. لوبیا از هر نوعی که باشد از جمله مواد غذایی پرخاصیت می‌باشد. آمینواسید فراوان و عدم وجود کلسترول در لوبیا، آن را به یک منبع خوب و عالی برای دریافت پروتئین تبدیل نموده است که گاهی می‌تواند جایگزین مناسبی برای گوشت باشد. مصرف این ماده غذایی در پیشگیری از ابتلا به سرطان کولون و پوکی استخوان مفید می‌باشد، از جمله مواد مغذی موجود در لوبیا می‌توان به ویتامین C، تیامین، نیاسین، کلسیم، آهن، سدیم، پتاسیم، منیزیم و فسفر اشاره کرد.

چغندر

چغندر را به منظور از بین رفتن تمام کافران و بدخواهان مکتب توحید مصرف می‌کنیم. چغندر گیاهی است با فواید بسیار که مردم از زمان‌های قدیم آن را می‌شناختند و با خواص درمانی آن آشنا بودند.

چغندر دو نوع می‌باشد، یک نوع آن چغندر معمولی به رنگ بنفش تیره و یا قرمز و نوع دیگر آن چغندر قند است که به رنگ زرد روشن می‌باشد و برای تهیه شکر، کشت می‌شود. چغندر قرمز یا لبو به دلیل داشتن فیبر فراوان، خاصیت کاهش چربی خون را دارد و همچنین دارای مقادیر فراوان آهن، در کنار ویتامین C و اسید فولیک است که از بروز کم‌خونی در افراد ممانعت می‌کند.

چغندر، ملین، نرم‌کننده و ادرارآور بوده و در رفع یبوست نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند. چغندر مانند هویج دارای کاروتن است که در بدن به ویتامین A تبدیل می‌شود. چغندر به دلیل دارا بودن مقدار زیادی آنتی‌اکسیدان، برای درد مفاصل و نقرس مفید است. رنگ ارغوانی لبو به علت وجود ترکیبی

گوشت کله بَره و شش

گوشت کله بَره و شش را مصرف می‌کنیم تا همیشه بزرگ و سردار باشیم و گناهانمان سبک وزن باشند، اما باید توجه داشته باشیم که با وجود لذیذ بودن و پروتئین، ویتامین‌ها و مواد معدنی که در این مواد وجود دارند، به دلیل وجود کلسترول می‌توانند زمینه را برای پیدایش بیماری‌های قلبی، عروقی و همچنین افزایش اسید اوریک خون مساعد سازند، لذا افرادی که چربی خون بالا دارند و یا مبتلا به نقرس هستند باید با احتیاط از این مواد غذایی مصرف کنند.

انار شیرین

و انار شیرین را در شب روش‌هشانا مصرف می‌کنیم تا مثل دانه‌های انار مملو از میصوا و کار نیک باشیم. انار منبع خوبی از آنتی اکسیدان، اسید فولیک، پتاسیم، آهن و ویتامین C است و برای سلامت قلب و عروق، جلوگیری از تصلب شرائین و سکنه، پیری زودرس و سرطان پروستات مفید می‌باشد. مصرف انار برای سلامت پوست، رفع خستگی و آرامش اعصاب بسیار کارآمد است. عصاره انار، آثار ضد باکتریایی داشته و به عنوان مثال با باکتری‌های ایجادکننده پلاک‌های دندانی مقابله کرده، در سلامت دندان و دهان مؤثر است. افرادی که مشکل نفخ معده دارند، باید مصرف انار را محدود کنند، ضمن این که زیاده‌روی در مصرف انار ترش، تحریک زخم معده را به دنبال خواهد داشت. افراط در خوردن انار باعث ناراحتی معده و زیر شدن گلو می‌شود، همچنین افرادی که مبتلا به ناراحتی ریوی هستند در مصرف انار احتیاط کنند.

در پایان، ضمن این که سال خوبی را از خداوند برای همه شما عزیزان خواستارم، یادآور می‌شوم علی‌رغم تمام خواص مفید موجود در میوه‌جات و سبزیجات، رعایت اصل تعادل در مصرف آنها از جمله نکات حائز اهمیت می‌باشد و زیاده‌روی در مصرف هر کدام از آنها، مخصوصاً در مورد افرادی که مبتلا به بیماری‌های خاص می‌باشند، می‌تواند به همان اندازه مفید بودن، مضر واقع شود.

منابع:

جدول ترکیبات مواد غذایی: ترجمه و تألیف دکتر احمد رضا درستی، مینا طباطبایی.
پایگاه جامع اطلاعات پزشکی ایران سلامت، سایت‌های ویکی پدیا، بیتوته، پرسین پرشیا، بوئن نیوز، نمناک، تبیان، رهپویان، سایت تحلیلی خبری عصر ایران.

به نام بتاسیانین می‌باشد و با دارا بودن خاصیت آنتی‌اکسیدانی یک ماده غذایی ضد سرطان محسوب می‌شود و از بروز سرطان‌ها مخصوصاً سرطان کولون پیشگیری می‌کند.

به یاد داشته باشید که زیاده‌روی در مصرف چغندر، برای معده مضر است و موجب دل‌پیچه می‌شود و همچنین قند ریشه چغندر، برای مبتلایان به دیابت مضر است.

خرما

خرما را در شب روش‌هشانا مصرف می‌کنیم تا از درگاه خداوند مقرر گردد تا بت‌پرستان و همه‌ی بدخواهان پیروان مکتب توحید نابود گردند و خطاکاران از جهان کم شوند. خرما سرشار از فیبر طبیعی است و روغن، کلسیم، گوگرد، آهن، پتاسیم، فسفر، منگنز، مس و منیزیم به وفور در آن یافت می‌شود، همچنین سرشار از ویتامین‌ها می‌باشد. خرما در درمان یبوست، اختلالات روده‌ای، مشکلات قلبی، ضعف جنسی و اسهال مفید است و جزو مواد غذایی ملین به شمار می‌آید، به همین دلیل برای افرادی که از یبوست رنج می‌برند، مفید اعلام شده است. برای این که هر چه بهتر و بیشتر از این خاصیت خرما استفاده کنید، بهتر است، خرما را یک شب کامل در آب خیس دهید صبح روز بعد، خرماهای خیس خورده را مانند شربت مصرف کنید، گرچه خرما در درمان یبوست مفید می‌باشد ولی با توجه به این که خرماهای رسیده حاوی پتاسیم هستند و پتاسیم برای درمان عوارض اسهال مفید است، این محصول در برطرف شدن مشکلات ناشی از اسهال هم کمک می‌کند. مقدار انرژی ناشی از خوردن خرما از قند ساده بسیار کمتر است و بسیار کمتر از قند، افراد را دچار چاقی و اضافه وزن می‌کند. در خرما مقداری نیز فیبر غذایی موجود است. فیبر موجود در خرما برای سلامت دستگاه گوارش و تغذیه بسیار مناسب است، علاوه بر آن خرما حاوی کاروتنوئیدها یا مواد رنگی است که پیش‌ساز ویتامین A و آنتی‌اکسیدان محسوب می‌شوند و جلوی ضایعات و سرطانی شدن سلول‌ها را می‌گیرند. علاوه بر نکات گفته شده، خرما حاوی اسید فولیک می‌باشد که جهت خون‌سازی برای بدن لازم می‌باشد و پتاسیم موجود در این میوه برای جلوگیری از پرفشاری خون و برای کار صحیح عضلات و اعصاب ضروری است. البته نباید در مصرف خرما زیاده‌روی کرد چرا که مصرف بسیار بالای آن موجب آسیب به کبد و طحال و افزایش فشار خون، جوش دهان و پوسیدگی دندان‌ها می‌شود و همچنین دارای قند زیادی است و آنهایی که لوزالمعدة حساس دارند یا آنهایی که بیماری قند در خانواده آنها وجود دارد باید کمتر از این میوه استفاده بکنند.

مراسم شکرگزاری به مناسبت سلامتی رهبر معظم انقلاب
۹۳/۷/۲۰





جشنחנוکا (عیدروشنایی) برعمومهمکیشانمبارکباد.

۲۵آذر تا ۳دی مطابق با ۲۵کیسلو ۵۷۷۵

16-24 DEC 2014